

عصیت اسلامیت یگانه آفاید چگونه ظلم را بر خود می بسندید ؟
افسوس از این جهالت و سداآه از این عمی !!
(شروطه خواه)

مکتوب از اسکندریه

قابل توجه وزارت جلیله خارجه

بنده را علم و سواد درستی نیست ، ولی من باب دواتخواهی و احساس ماییت بنا بر قنوت عدالت و مساوات که زبان ناطق و تلم آزاد است عرضه میدارد ، نمیدانم بصواب است یا بخطا .

صائبیکه هموطنان محترم و برادران دینی ما در ملک روسیه و دولت عالی عثمانیه می بینند و به انواع و اقسام مکاتب مشغولند زبان از تقریر و قلم از تشریح عاجز است ، بعضی را که ملاقات و تحقیق سبب مهاجرت از وطن مقدس و از گرفتاری به فریب و دسائیس بی معنی و از شرح آن نموده صرف نظر می نمایم و با تألیف تحقیق تعداد نفوس مهاجرین از برادران عزیز غیر معلوم را می نمود

الساعة جریده فریده (حکمت) شماره (۸۹۸۸۸)
حضرت جادی الثانیه ۱۳۲۵ را زیارتش نایل لایحه از جناب اشرف برنس ارفع الدوله امیر نویان سمیر کبیر دولت عالی ایران ام اجلاله العالی بتوسط وزارت جلیله خارجه (بمجلس مقدس شورای ملی) طهران تشریح ملاحظه شد ، در حفظ حقوق یکصد هزار نفر ایرانیان مقیمین ممالک دولت عالی عثمانیه از دولتخواهی و ملت پرستی و مهربانی جناب اشرف کمال امتنان و تشکر داریم ، و از قراریکه معلوم شد یکصد هزار نفر ایرانیان مقیمین ممالک دولت عالی عثمانیه اند ، اسامی و القاب تجارت صناعت تولد و از کدام شهر و قریه و قصبه مهاجرت کرده در کدام شهر و قصبه در چه کسب و تجارت مشغول است ، البته ثبت و ضبط دفاتر دولتی میباشد پس بناء علیه معلوم گردید که چندین منابل ممالک ترکیه در ملک روسیه و هند و در سایر ممالک متمدنه ایرانها مهاجرت کرده و سکنی گرفته اند ،

اولاً بجهت شهدای وطن و فراری هموطنان

ای تنگ بینی نوع انسان ! و ای عار دستگاه آدمیار !
خوبست قدری انظار منحوسه خود را بمقتضیات زمان عطف نموده درست بنگرید که چه نکبت و شقاوتی من اخلاقتان را عاید خواهد شد ، و چه بد بختی و شقاوتی بر احوال ایشان روی خواهد آورد ، و در چه درکات اسفل جای و مقام خواهند گزید ؟ اگر شمارا بر احوال این ملت رحمی و رقی نباشد ، خوبست نجات اخلاف شخصی خودتان رحم فرمائید ، و دمی مات را از تعذبات خود آسوده بگذارید .

واقعه فقر روحانی چندان بر این ملت تاثیر کرده که دیگر طاقت و تاب جور و جفا ندارند و شکیبایی و تحمل نتوانند !!

ابناء عزیز وطن ! ایقظوا ، ایقظوا ، الهمة ، الهمة ، الحمية ، الحمية !! صبر و بردباری تا یکی طسافت و شکیبایی تا بچند ؟ حقوق شما باهال غراض مستبدین شده و میشود شرف ملی شما دستخوش ظلم و تجاوز گشته ، این بردباری هیچ نتیجه جز از دیاد مصائب نخواهد داد ، و این شکیبایی از نواب کم نکرده بل بر آنها خواهد افزود . این بیخردان از دانش مهجور و آدم صورتمان از اسباب دور چه حوادث مؤلمه هولناک که راه نیانداخته و چه کوارت مدهشته غمناک که فراهم نیاورده ، سبب چیست که شما ها با دیده حسرت زای خود همه این بلا یارا مشاهده کرده باز راه اصطبار می پویید . کجای مملکت است که از آمار استبداد مغشوش نباشد ؟ کدام نقطه است که نور شقاق و نفاق را گرم نکرده اند ؟ کدامین مشروطه خواه آزادی طلبست که بیپناه او را نیاز زده و در اندامش بذل جهد نکرده اند ؟

ابناء وطن عزیز ! (خاک بدن) چرا در حفظ هواید مایه خود نمی کوشید ؟ آخر همت و حمت را از رعایای روس که همسایگان شمال شایند بیاموزید ، نه مستبدین ایران از استبدادیان روس بیشتر ، و نه شما از رعایای روس کم ترید ، پس چه جبهه دارد که از مستبدین این همه تحمل کرده از بذل یک همت و حمت وطنی دریغ دارید ، ببینید رعایای روس با آن قوتیکه دولتشان دارد چگونه هر روزه قوای یکی از اکابر و عظام مستبدین را میگیرند . شما ها که در حس ماییت و

و برادران دینی محترم از جاوورهای موزی جنگلی و وحشی و گرفتاری مدام صیادان بی رحم فریاد کشیده و ناله برآورد با نفس خود در محکمه تحقیقات محاکمه و مذاکره کردند

(س) سبب مهاجرت از وطن عزیز چه ؟

(ج) تقدیر جناب اقدس الهی

(س) از گرفتاری غربت تحقیق شد ؟

(ج) مشیت ربانی

(س) از حقارت بعضی و مشاغل رذیله جمعی برنش ؟

(ج) خواست حضرت سبحانی

(س) استدعای تشکیل کمیسیون مخصوصی برای اجانب ؟

(ج) از بی حسابی و نفاق

(س) مسئله تأمین و کفیل حیات را استفسار نمودم ؟

(ج) مغایر قانون

(س) در عالم مظلومیت بمحکومیت احکام او امر

صادره رسیدیم ؟

(ج) صبر و تحمل

(س) از ادای تعریضات مذهبی تحقیق نمودم ؟

(ج)

(س) تعمیل از اجراء حکم غیر العدول رسیدیم

(ج)

(س) از هیئت مجلس استیناف استدعا نمودم

(ج)

سبحان الله ، هر چه سؤال کردم جواب کافی و شایم نداد ، ای نفس مکر گرفتار زنجیر استبداد هستی ؟ مگر از عوالم عدالت و مساوات بالکلیه محروم شده ؟ و یا از عدالت اعلی حضرت هابونی بی خبر هستی ؟ و لذا لارم گردید از صاحبان اقلام و افکار و هموطنان محترم سوالات دلی را تحقیق نماید تا که درد مان علاج پذیر شود

(۱) این قدر نفوس هموطنان محترم و برادران دینی که ترك وطن مقدس و اهل و عیال گفته در ممالک عنایه و سایر ممالک سکوت نموده ، آیا از زیادتى نفوس یا از تشنگی اراضی ، یا از کثافت آب هوا ، و یا از احکام غیرمعموله مهاجرت کرده ؟ و یا آنکه مطیع اوامر و احکام شرع و صرف نه بوده تبیید شده اند ؟

(۲) آیا این قدر نفوس در ایران صاحب علم و زراعت و فلاحت و صناعت و تجارت بودند و یا آنکه در خارجه تحصیل کسب و علم نموده اند ؟

(۳) آیا رسوم تذکرة مرور و مقیم و غیره بجزایه دولت میرسد ، و یا آنکه از عموم رسومات انواع و اقسام دولتی بالکلیه معاف است ؟

(۴) در حین وفات بنسأ به قانون که در عموم دول اجراست ، رسومات دولتی بجزینه خاصه مبروده که بجهت حفظ ممالک خرج شود ، و یا آنکه از کتبچه دولتی بالکلیه معاف شده ؟

(۵) در حین وفات اشیاء نجارنی و اثاث البیت متوفی را به اطلاع شخصی امین که در محضر چند نفر فروخته و قروضاتش را داده و بعد از رسومات دولتی بقیه نخوآه را به اولاد و اهل و عیال و ابتامش میرسانند و یا آنکه حیف و میل میشود ؟

(۶) اگر چنانچه متوفی وارث نداشته باشد ، اموالش را حفظ نموده به بیت المال تسلیم می نمایند که بمریضخانه و مدرسه خرج شود که اولاد هموطنان علم تحصیل کرده دولتخواهی و احساس ماییت پیدا نمایند یا نه ؟

(۷) آیا هم طمان محترم در ممالک خارجه حد حدود و حفظ حقوق دولتی و مایق را دارند یا نه ؟

(۸) آیا از این قدر نفوس در حین لزوم ممکن است دولت سرراز گرفته بجهت حفظ وطن مقدس در مدافعه ملک یا خیر ؟

(۹) آیا این قدر نفوس برادران دینی تا که در خارجه هستند دولتخواهی و احساس ماییت دارند یا نه ؟ مقصود از تحقیق فصول مذکوره آنست که قرض دولت قرض رعیت است ، قروض منحوسه که داریم ، یا ماییت داد یا از وطن مقدس صرف نظر کرد ، بنسأ بر دولتخواهی و احساس ماییت از وطن عزیز صرف نظر نه نموده تسلیم اجانب نخوآهیم شد ، پس بنسأ علیه هر وضع میباشد قروض منحوسه را حکه با قایض غیرالعقول است باید داده در صورتیکه رعیت ملتزم ادای قروض شد ، اعلا و ادنا حق دارد که مذاکره در واردات دولت خود به نماید ،

(محمد صادق تبریزی)

تصیحت يك جریده آزاد یکی از حکام

سایر حکام هم خوبست این سطور

(را بدقت خوانده از معاینش)

(غفلت نورزند)

اخبار تفویض حکومت بنادر بجناب دریایی امیر
تومان فرصت خوبی با داده که باقتضای مراتب مات
پرستی و دولت دوستی و خیر خواهی که همواره نسبت
به پیک از ابناء وطن عزیز داشته و داریم، بعضی انظار
و آراء خود را در خصوص مقتضیات عصر حاضر که
مناسبت با وضع حکام بلاد ایران دارد تجریر آوریم،
و هم ایشان را از یاره نکات لازمه مستحضر داریم،
و هم دیگر حکامیکه در این جزء از زمان بایالت و
ولایت معین شده و میشوند مندرک از مسئولیت عهده
خودشان بسازیم .

زیرا چنانیکه بر همگان واضح است از یکسال
قبل تا کنون اوضاع کلیه امور و حالت حکومتی
ایران دو چار تغییرات یافته شده ، و آنچه با
سبک دو سال قبل مناسب و موافق بود فعلاً با
مسلك مقتضیه خیلی مغایرت و مبادت دارد ، یعنی آن
تربیات سابقه نه تنها کنون موجب مذلت و عسرت
رعیت است - بل مورث بدنامی و رسوائی و بیسی
حکام هم میباشد ، لذا لازم است کلیه حکام خاصه
آنهایکه نسبتاً تربیت شده و سالها در راز تحصیل
معرفت و بصیرتی نموده اند آن اساس کذائی سابق را
موافق طبیعت زمان تبدیل و تغییر بدهند -

رسیدگان قله سیاست را پوشیده نیست که موافقت
با مقتضیات زمان تا چه اندازه کار را بر رئیس و مرؤس
سهل میسازد ، و زیر دست و بالا دست را آسوده
میدارد، و همچنین دانایان رموز میدانند که نحاشی از آن
مطلب هم تا کدام درجه مورث پس افتادگی و درماندگی
طرفین خواهد بود -

اگر اسلاف این نکته دقیق را کما یبقی و بلیق
رعایت کرده و بنگرفت و مستی نگذرانیده بودند
امروز نه ملت چنین بدبخت و پریشان و نه دولت چنان
درمانده و حیران و نه دوره دوره مستبدان بود
آن همه پریشانی که از هر سمت روی بطرف

این مات بدبخت آورده و هر روزه بل هر لحظه آنان
را بمخاطرات و خیمه میداندازد همه از عدم رعایت آن
نکته بوده -

آن قدر احتلالی که منجر بافتشاش حالیه گردیده
و در صورتیکه جلو گیری نشود مورث هزاران ذلت
ابدی خواهد شد کلاً و طراً از همان جهت بوده است
آن استبدادی که تا دوازده ماه قبل در ایران
مرکوب این مشمت ملت بیچاره بوده از نتیجه این
عدم مراعات است

بالجمله از مطاب دور یفتم - اینکه جناب دریایی
از جمله مأمورین با علم دولت هستند گویا بی گفتگو
مسلم باشد ، چیزیکه ما را درست معلوم نیست اینست ، که
میل جناب معظم بکار بردن علمشان تا چه اندازه
است ؟ اینهم نباید بر ایشان پوشیده باشد که علم
مکتبی جز باجراه و عمل ظاهر و واضح نخواهد شد ،
و چرا چنین نباشد که در درک علم هیچ مقصودی
جز اجراء و عمل نمودن آن نباید در نظر طالبین
باشد ، و از اجاست که حکماء جلیلشان عالم بعمل را
با جاهل بی علم همسنگ و همپایه و همسایه محسوب
میدارند ، و میانه ایشان هیچ تفاوتی نمی بینند - وقت
اجراء علم و موقع بکار بردن دانش هم جز امروز
موقف صحیحی بدست نیساید - گذشته هر چه بوده
گذشته ، و دفتر کهنه را گاو خورده است حالا آن
حکام با احتشام یا مأمورین والا مقامی که دارایی
فی الجمله علمی هستند اگر طالب خوشبختی و نیکنامی
ابدی و سعادت و فلاح دائمی و جلب قلوب افراد
ملت و جذب اعطاف اولیاء دولت هستند باید از
گذشتها غمض عین کرده آن کهنه بساط را برچیده
حساب کنند ، و کافر ماجرائی نموده علم خودشان را
بموقع اجراء در آورند - گمان نداریم هیچ مأمورعالم
باز یافته در همچو موقع نازکی راضی شود که با وجود
مخاطره ملت بر افعال سابقه خود مداومت نموده
صفحه کردار حالیه خود را به سنگ و عار آلوده و لکه
دار فرماید ، کنون موقع حصول نیکنامی ابدیست و
وقت وقت سعادت واقعی - بمبارت دیگر گوییم
سعادت در میدان هنرمندی افتاده است

این جمله که اظهار شد گویم اولین وظیفه که مانند

نه مخفی بلکه ظاهر بر جهانست * خدا کسی فکر مانیست
(هفده و هیجده و نوزده و بیست)
(اوکه این حرفها را بشنود کیست؟)
- همه نفر از دخترها هم ترانه -

هزاران درد بیدرمان داریم * خدا کسی فکر مانیست
این و ناله و افغان براریم * خدا کسی فکر مانیست
خدا یا رحمتی تنها بر ایران * خدا کسی فکر مانیست
نظر فرما بحال این فقیران * خدا کسی فکر مانیست
فغان کز ظلم و استبداد مردم * خدا کسی فکر مانیست
امید معدلت در گور بردیم * خدا کسی فکر مانیست
دریخ طاقت و صبر از کف رفت * خدا کسی فکر مانیست
فسوسار و روح و راحت از دل رفت * خدا کسی فکر مانیست
(اوکه این حرفها را بشنود کیست؟)
(ای خدا کسی فکر مانیست)
- تنها جیبا همه ما هم -

(شایاش ! شایاش ! شایاش !!!)

زنده باد دوره عدل و داد !!

پاینده مباد ظلم و ستم !!

تف برخاستن دولت و مامت !!

اف بردزدان دین و مملکت !!

همه تنها جیبا مرا از خواب بیدار کرد
سراسیمه و متعجب بودم که این چه حالت و آن چه
صورت؟ غرق استعجاب بودم که هنوز حیرتی
دیگر عارضم شد، یعنی تعجب از ذکوت ایرانی کردم
که یکجا دخترها آن اشعار آبدار سروده اند، و جای
دیگر من در عالم خواب آنها را بذهن خود سپرده
و اکنون حرفا بحرف برای شما نقل میکنم !! پس از آن
چهار قل خوانده باز بخواب رفتم تا کی بیدار شوم
(خادم ملت - م - د)

- لایحه مجاهدین قفقازیه -

حجج اسلامیه نجف اشرف

بوجب اخبار موثقه که از طهران مبرسد - مهربان
حضور هابونی در خصوص امضاء قانون اساسی فکری
تازه فرموده و راه فراری اندیشیده اند، میفرمایند:-
چون مذهب ایرانیان مذهب اسلام است و در طریقه
اعامیه علما نایب امام، و در حقیقت خلقاً رسول (ص)

مخصوصه در آن حوزه داخل نمودند - و امر به تنفی
کردند (در اینجا از صاحب نیات پرسیدم اینها کیانند
و در این حالت از چسبند - جواب داد اینها رعایای
بلوچستانند که از ظلم حکام هر ساله هزارها باطراف
و اکناف برده شده بمصرف فروش میرسند)
در این حرف بودم که دختران بالا جماع اما بسبکی
وقار آمیز نوای این غنارا ساز نمودند

بیا ای باد غمخیز بوی ایران * خدا کسی فکر مانیست
بیر از ما بیامی نزد اخوان * خدا کسی فکر مانیست
بگوای مات آخر حمل تاکی * خدا کسی فکر مانیست
بگوای دولت آخر ظلم تاکی * خدا کسی فکر مانیست
بگوای مستبد رحمی باکن * خدا کسی فکر مانیست
زمام ممانعت از کفرها کن * خدا کسی فکر مانیست
اساس معدلت فورا بیاکن * خدا کسی فکر مانیست
جفا کردی بیافدری و فاکن * خدا کسی فکر مانیست
(هفده و هیجده و نوزده و بیست)
(اوکه این حرفها را بشنود کیست؟)

- بکنفر دختر ده ساله به تنهائی -

بزرگان جمله اندر عیش و راحت * خدا کسی فکر مانیست
ضمیقان غرق دریای جهالت * خدا کسی فکر مانیست
رجور و ظلم و ظمیان و نطاول * خدا کسی فکر مانیست
قتساده مملکت اندر تزلزل * خدا کسی فکر مانیست
وطن امروزه سراسر خرابیت * خدا کسی فکر مانیست
دل ماستمندان چون لبابت * خدا کسی فکر مانیست
وطن یکسر ز دست ما بدر شد * خدا کسی فکر مانیست
هزاران سوز و ماله ای اثر شد * خدا کسی فکر مانیست
(هفده و هیجده و نوزده و بیست)
(اوکه این حرفها را بشنود کیست؟)

- تمام دخترها بالا جماع -

خدا یا تا یکی باید تحمل * خدا کسی فکر مانیست
نمانده صبر و طاقت فی تأمل * خدا کسی فکر مانیست
اساس مستبدین را تو برهم * خدا کسی فکر مانیست
بزن ای موجد و خلاق عالم * خدا کسی فکر مانیست
ز دریای خزر هم تا جستان * خدا کسی فکر مانیست
ز آذربایجان تا بحر ایران * خدا کسی فکر مانیست
همه زبر نفوذ دیگرانست * خدا کسی فکر مانیست

هستند ، و ایشان راست ولایت عامه و تصرف در امور مسلمین ، پس ایشان راست که قانون اساسی را امضاء و اجازه نمایند ، و اعلی حضرت هابونی نیز تصدیق فرماید و صحه بگذارد ،

این رأی و تدبیر شایسته و تدویر است که در ماه ذیحجه بکار بردند ، و جناب مخبرالسلطنه از جانب دولت خواهش می کرد که مشروطه را مبدل بمشروعه نمایند و باره بی اطلاعات این اشاعه را فوز عظیم دانسته دست افشان و پای گویان تصدیق داشتند و عقلا و دانایان که واقف بر موز کار بودند بر دادن جواب تنزل نکردند و برده از روی کار بر نداشتند ، همین قدر جواب دادند که شما شریعتی تازه نیاورده اید و ما همیشه مشروعیه بوده ایم

این موقع گذشت و امضاء مشروطیت داده شد نوبت بقانون اساسی رسید . همان تکلیف سابق بصورت دیگر جلوه گرفت و اقتور این تیار بزمی دیگر بیاراست ، و برده دیگر باز کرد و اتباع مستبدین دنباله این شعبده را گرفتند ، و چنانچه در اول امر مشروطه را مبدل بمشروعیه می کردند حال نیز باره اعلانات مخفیة منتشر کرده امضاء حجج اسلام عقیدت عالیات را شرط میدانند و میخواهند با این افسانه جراحی را که از پیه دل مسلمانان روشن شده خاموش نمایند ما فرقه مجاهدین مشروطه طالبان را لازم است که در این موقع سکوت نکرده حق واقع را قاش و برملا سازیم ، و آیه شریفه (الآن و قد عصیت من قبل و کنت من الکافرین) را باند و با صدای رسا بگوش دور و نزدیک برسانیم

اولاً گوئیم که مشروطیت دولت که امضاء و تصدیق شده مقتضی قانون است و اگر قانون اساسی نباشد مشروطیت لفظاً داده شد و معنی نخواهد داشت ، و این قانون گفتگو خواهد کرد از حفظ حقوق اسلامیت و حفظ حقوق تبعه ایران ، و جان و مال و عرض و ناموس و منع و تعدی دول سایر بر دولت اسلام ، و منع و تسلط آن بر خاک و مال و جان و شریعت مسلمانین ، والا دولت ایران مانند هندوستان و مصر و فارس و مراکش و قفقازیه و اندلس و الجزائر و بخارا و خیره و . . . و باید بشود ، که مسلمانان ذلیل بلکه نیست و نابود

شوند و همه این امور از جمله فرائض عینییه و مطابق احکام اسلام و موافق کلام رب علام است ، و تحقیق این راجع به علماء اعلام است و ما را نمیرسد که بیشتر از این در این باب حرف بزنیم

و قانون اساسی صحیحی از اصول دین و عقاید عبادات نخواهد کرد تا زنادقه و کفره و اظهار مافی الضمیر خود نمایند

نایباً قانونی که گذاشته میشود اموراتی است که عقلاء ملت برای حفظ دولت و ملت اسلام وضع خواهند کرد ، و آنچه در ایام استبداد بطور غیر مرتب و منظم و دل بخواه بود در این دوره مشروطه منظم و منضبط و بدون استثناء خواهد بود بملاوه سایر قواعد محکمه و چنانچه در دوره استبداد اذن عاماً شرط اجراء قانون ظالمانه مستبدانه نبود در این مشروطه نیز شرط نخواهد بود

آیا ملاذالاسلام و مرجع الاحکام و نایب الامام بودن علماء اعلام امری است که بعد از اعطاء مشروطیت بایشان داده شده ؟ یا از عهد نبوت و غیبت امامت از وظایف و شئونات علماء بوده است ؟ پس چگونه است که این اذن و اجازه را در این دوره می طلبند و در دوره سابقه استبداد ابداً اعتنای نبود

در این مقام آیا ما را حق سؤال این مطلب هست که استعمال نایب ؟ آیا حقوق علماء اعلام و حجج اسلام و اصل دیانت مذهب ائمه عشریه در حال حاضر چیست یا نه ؟ و ما نمی خواهیم این مطلب را عجالاً بر افواه عوام بندازیم این زمان بگذار تا وقت دیگر ، همین قدر گوئیم اگر قانون اساسی باید بامضاء علماء برسد خیلی چیزها هست که باید بامضاء علماء برسد که آنها سبب بر قانون اساسی حکم اصل دارد و قانون فرع آن است ، و مزیت فرع بر اصل هیچ وقت روا نخواهد بود ، بهتر اینست که وزرای عاقل ما باره درها را بروی بادش تاجدار ما باز نه نمایند و عموم را بگفتن باره حرفها که مطالبه باره دیگر است و ندارند و ایشانرا در حات غنات خود باقی بگذارند ، تا عوام ملتفت نشوند که زیرکانه نیم کاسه هست این عنوانی که وزراء ما می نمایند ، صد باب مشروطه نیست بلکه . . .

ثامناً آیا ما را باز حق این سئوال هست که آیا حکام مستبده سابقه از قتل نفوس و فروختن حکومتها و تسلط دادن ظلام بر عرض و جان و مال و مسلمانان، العیاذ بالله مآذون شرع اتور بود ؟؟؟ آیا گرفتن طالبات و وضع کمرک و ریاد کردن آن و استخدام فرنگیان و وثیقه سامبه وزارت بایشان دادن و آنها را برخلاف آیه قرآن بر مسلمانان چیره کردن و گمرکات بگرو فرنگیان دادن و تذکره بر مسافرین خارجه داده و پول کزاف گرفتن و املاک موقوفه را بمزربان دربار و غیره بقیمت نازل فروختن و یا بخشیدن ، و یا املاک (بیرالمنفعه) را به نیولی باین و آن دادن که بعض این امور حواء دولت مستبده باشد یا مشروطه قانونی و یا جمهوری باقی خواهد بود و تغییر پدبراه خواهد بود و بعضی انشاءالله بر طرف خواهد شد

آیا تمام این امورات سابقاً و در ایام استبداد خاکم بدهن باذن علماً اعلام بود که حلالهم موقوف با اجازه ایشان باشد ؟

مبالغی کراف بیشتر از صد کرور از خارجه قرض کردن و عیدانم بکجا ما مصرف نمودن و رعیت را بچاک سینه نشاندن و امتیاز راه شوسه را بدولت روس و انگلیس دادن، و اراضی باسم امیراطور قباله نمودن که اگر کونتراتش تمام و وعده اش منقضی شود باقضاء قباله شرعیة که در دست دارد از حقش نخواهد گذشت و خود را مالک زمین خواهد دانست

و پله رودخانه آجی را که واقف عام و مال کافه مسلمین است بثن بخش بفرنگها فروختن، و توطانی دو هزار از قیمت اراضی کسر کردن، شصت هزار توطان پول املاک را از بابت قیمت سنگ تناول کردن، که کارگداری تبریژ کرد، باز خاکم بدهن با اجازه حکام شرع بود ؟

و غیر آنها از امورانی که با گفتن آن عمر تمام میشود، در همه این امور که سابقاً معمول و بعد ازین انشاءالله از برکت مشروطه و قانون اساسی متروک خواهد داشت، آیا دروات معاذالله از علماء اذن داشت، و یا ایشان امضاء و تصدیق داشتند که حالا در وضع قانون اساسی از ایشان اذن میخواهند گرفت و مساماً

از علماء متوقع اذن نخواهند بود ؟

اگر وزراء ما گویند که سابقاً دوره استبداد بود سلطانرا نقیدی بر این امورات نبود، حال که مشروطه شده میخواهد دوره اسلامیت را از سر بگیرد و در کلیات و جزئیات امور از علماء مأذون باشد، جواب گویم گذشته از اینکه تمام عقلا دانند که این عذری است غیر موجه و قوی است مخالفت فعل و لفظی است منافی عمل و نوبه است بی ندامت، از شما سئوال میکنم. علماء که تا حال لب بسته و باقضاء عقل آنچه سرمطلب است نگفته اند، اگر از مطامع فصیده شروع نمایند آن وقت تکالیف چه خواهد بود ؟

بالجمله حالت حالیه را با حالت سابقه نسبت بعلماء فرقی در میان ماحوظ نیست، چنانچه در دوره استبداد علماء مسئول آن تکالیف نبودند حالا هم نخواهند بود. و اگر دولت میخواهد ایشانرا مسئول نماید تمامی ملت خواهند گفت پس مظلومی که در دوره استبداد بهاها وارد میشده و جرائمی که از ما میگردقتند و استقراضی که از دول خارجه کرده جان و مال بلکه دین و مذهب طارا در آغور آن فدا کرده اند، همه آنها باذن و تصدیق علماء بوده است و نزد خداوند رب الارباب علماء ما العیاذ بالله مشغول الذمه آن مظلوم هستند

پادشاهها، اعلیحضرتا، تاجدارا، تصدق خاکبای مبارکت شویم - بحرف این وزراء خاین گوش مده و طارا از علماء و علمائرا از ما نرنجیان، و خدا نخواسته سنگ تفرقه بپیان ملت مینداز

با محاسب شهر بکویید که رهبار بر مجلس ما سنگ مینداز که جام است ما از علماء و علماء از ما دست بر نمیدارند و ما ایشان را متهم نمیکنیم و نمیتوانیم متهم نمایم، ایشان تا حال زحمت ما را کشیده اند و سینه سپر کرده جلواستبداد را گرفته اند، و از بذل جان و مال مضایقه نکرده اند، تکلیفی که علماء بر آن مکلف نیستند، ایشان را مکلف نشمار و عوام را به شورش مینار. کار از آن گذشته که بتوان با این دسایس و حییل جلواآزرا گرفت، و این سبیل را با این خس و حاشاک سد بست، بر خالک پالک ایران رحمت آر و با شریعت طاهره اسلام بازی مکن، مانند پدر تاجدارت کوس نیکنامی بزین و طبل وطن بر تپتی بکوب،

شماره ۶۶ چند از حکمت یونانیان

(حکمت ایرانیان را هم بخوان)

علاء اسلام و خامت امر را میدانند و شورشور
را علانیه می بینند اگر دوات مشروطه نشود و قانون
اساسی داده نشود ، بخدای زمین و آسمان تا جان در
بدن ایرانیان است جامه مردان خواهند پوشید و با
جان خواهند کوشید ، تن بر دلت نخواهند داد و بر
خاک هوا نخواهند خفت (مجاهدین قفقاز)

مکتوب از نجف اشرف

واقعه آرمینش نیامده که عرض نماید ، مذاکرات حواری
جناب مستطاب آقا سید کاظم طباطبائی ، هنوز برقرار است
چون قوت روحانی از آنها سلب شده ، ین داریم عنقریب
این چند نفری هم که طایفه در حادّه حق مستهک شده ،
یک دفعه رفع کلاه مناقشات شد ، درین هفته تلگراف
دیل از باغیان شورای اسلامی یعنی آقا شیخ مصال الله
و امثال ایشان بنام حجج اسلامیه عم اشرف رسید
- تلگراف باغیان شوای اسلامی -

بنام حجج اسلامیه نجف اشرف

(مد ظلالهم)

حضرت مسعود حضرت آقایان حجج اسلام
دامت برکاتهم - اجزاء مجلس شورا صورت تلگراف از آن
حضرات ابراز نموده دایر بر تمجید مجلسیکه اساس آن
بر امر بمعروف و نهی از منکر و رفع ظلم و حفظ
بیضه اسلام و امت و رفاه عامه باشد ، درمابش تلگرافی
عین مقصود و داعیان کمال اطاعت از آن داریم -
تلگرافیکه اشاره فرموده بودید هیچ عالی حسن چنین
مجلسی را نتواند انکار کند ، بلکه حرف در همین قیودات
است که مجلس شورا دارای بیض آنها است ، مع ذلك
تلگراف مزبور را بر وجوب چنین مجلس حجت گرفته و
عوام بی فهم بی سواد را ضلال میکنند ، استدعا آنکه
توضیح فرمایند ، مجلسیکه منشأ شیوع منکرات و رواج
کفریات و جسارت مرتدین و ضعف اسلام و مسلمین
و هتک حرمة شریعت و شرائع و تأسیس قواعد
حریت در امور دینی و سلب امنیت از بلاد و رفاه
عباد و ظلم برضعا باشد چه حکمی دارد ، تا رفع شبهه
عوام شده و وهنی بدین اسلام نرسد ، الحاق ساحت

حضرات حجج اسلام اطهر و ارفع از این است که
به باره ملاحظات این فرمایشات فرمایند که باعث شبهه
عوام و سلب عقیدت خواص و وهن خودشان باشد -
حسنات الارار ، سینات المقربین
فضل فقه بوری ، حمد الطباطبائی ، جعفر ساطقان ،
احمد الموسی ، محمد حسن ، محمد نوری ،

حجج اسلامیه ابد اعتنا تلگراف خود غرضاً

مشارایه فرموده ، یک کلامه جواب نداده باز هم محض
حفظ نوع و هدایت باغیان حضرت مستطاب آقا میرزا
مهدی محل جلیل حضرت آیه الله آقای آخوند ملا محمد کاظم
خراسانی مدطاه ، که او این مروج - (دومشید مجلس ملی
و شورای اسلامی اند ، و باید این وجود مقدس را مایه
جمع یک محتمای ایران و ایرانیان گدت ، محض نبیه و
ایقظ باغیان شورای اسلامی تلگراف دیل را بنام آنها
مخابره فرمودند -

تلگراف حضرت مستطاب آقای

آقا میرزا مهدی در جواب تلگراف

(باغیان شورای اسلامی)

تلگرافیکه سیم خارجه محساره فرموده موجب
مزید آزردهگی آقایان حجج الاسلام و آیات الله فی الامام
دامت ظلالمهم گردید ، تلگرافیکه بمجلس محترم فرموده
بودد مبنی بر بیان عت حکم بوده نه مرد بری و سکوت
از صغری

ملاحظه یعنی چه - کلام مشتبه کدام است ، اجمالاً
بعد از آنکه عده از اعظم علما که از هر جهت محل
و توفیق در تطبیق نظامنامه بر قوانین شرعیه مراقب
و فصل دایر بحفظ قوانین اسلام مندرج شده است ، این
اقدامات غیر مترقبه جز باره ملاحظات شخصه غیر
محمول ، محرمانه مستدعی که محض حفظ مقام خودتان
و نوع علما و شرع اور زیاده بر این بر ضد مجلس
محترم اقدام فرموده ، آنچه هم شده مدارک فرمایند تا
بجائی منتهی نشود که لا محاله بعض احکام سحت از
این ناحیه مقدسه شرف صدور باید

(مهدی بن حجة الاسلام خراسانی)

اگر باغیان شورای اسلامی غیر و دین دارند

وداع زندگی کرده جان را بجان افرین تسلیم نمود رحمة الله عليه مجلس فاتحه و ترحیم و سوگواری درخانه آن مرحوم حارة الروم مهیا و منعقد گردید
(زنده جاوید ماند هر که نکو نام زیست)
(اگر غنیش ذکر خیر زنده کند نامرا)

اعلان

تاریخ سر جان ملک مصور که نقشه ایران را هم داراست بطبع اعلی، کاغذ و خطا خوب، در نمبر ۱۶ و کتوریا رود - کریس لین، مازگام، بمبئی - نزد آقا میرزا محمود صاحب تاجر کاشانی، و در اداره جبل المتین کلکته بقیمت دوازده روپه بفروش میرسد، اجرت پست بر ذمه خریدار است بهر يك از این دو مرکز میتوانند رجوع نمایند، نقشه ایران نیز علیحده بقیمت دو روپه بفروش میرسد
ایضاً

یومیة جبل المتین بامسلك و مشرب پانزده ساله خود در طهران اشاعت می شود، هر کس در هندوستان طالب باشد در کلکته با اداره جبل المتین - و در ایران و سایر ممالک خارجه به (طهران - خیابان لاله زار - اداره یومیة جبل المتین) رجوع نماید. قیمت سالانه در ایران سوای طهران چهل و پنج قران و در ممالک خارجه عموماً سی فرانک است
(میکادو نامه)

میکادو نامه منظومه ایست در جنگ روس و ژاپون که بوضع شاهنامه نگاشته شده، و دارای ۵۸ عکس های حقیقی میدان حک میباشد با کمال امتیاز بطبع رسیده هر کس خواستگار باشد با اداره جبل المتین کلکته رجوع نماید قیمت در هندوستان سه روپه، ایران يك تومان اجرت پست به ذمه خریدار است

باید ازین و بعد ترك مخالفت گفته بخود باز آیند و طمع به حیفة دنیا که وزر و وبال بار می آورد ترك کنند، و دین خدا را به بهانه خدا بر سق مضمحل نه نمایند، و بد آنچه تا امروز هر وسیله اندوخته قناعت نمایند
(قرآن کنند حفظ بطه کشند تیغ)
(بسن کنند حرز و امام مبین کشند)
مکتوب از بغداد

چیزی که قابل عرض باشد نیست، جز اینکه صورت تلگرافیکه دیلاً نوشته حجج اسلامیه نجف اشرف بمجلس شورای اسلامی محابره کرده اند
تلگراف حجج اسلامیه نجف
اشرف مدظلمهم بمجلس مقدس
(شورای ملی)

سلفاً محابره نموده حالام زحمت نمیدهیم خداوند متعال گواهاست که ما با بعد دار غرضی جز تقویت دولت و تشدید مات و ترفیه حال رعیت نداشته ایم - عدم توشیح نظامنامه بصحة هیونی موجب تعطیل امور و تضییع حقوق و سلب امنیت برای عباد و بلاد است، از ناحیه داعیان از حضور مبارک بندگان اعلی حضرت سلطان اسلام ایذا در خواست شود که رفاة حال عباد و معمور بودن بلاد را از مهمات شمرده قاطبه رعیت را ببذل این مرحمت قرین امتثال فرمائید تا پیش از این اسباب تقویت خارجه و تضعیف داخله نگردد
(بحال مرحوم میرزا خلیل قدس سره محمد حسین)
(الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی)

تأسف

(له ملك بنسادی كل يوم)

(لدولاموت ونوا لاخراب)

مرحوم حاجی میرزا علی اکبر اصفهانی که از اهله و اجله تجار مقیمین مصر بود برای صبح مزاج و تنبیر آب و هوا عزم اسلامبول نموده، بین راه مرض شدت کرده، در ازمیر پیاده شده ۲۸ جمادی الاولی یوم چهار شبه در هماغا

(سوی گلزار جنات بمرد رو)

(با دلی بی حسرت و بی آرزو)

❦ اخبار ❦

جلد اول کتاب فاحمه (آینه ر) که سرگذشت يك زن وحشی و دارای مطالب عبرت آمیز و مسرت انگیز، قابل مطالعه ارباب دانش و بندش است در تبریز بطبع رسیده محل فروش آن خیابان مجیدیه کتابخانه شریفه (وطن) میباشد، هر يك از آقایان داخله و خارجه طالب و مایل باشند رجوع به کتابخانه (وطن) در تبریز فرمایند. قیمت در تبریزش هزار دینار در خارجه بملاوه اجرت پست هفت هزار و پانصد دینار به فروش میرسد. جلد دوم هم متدرجاً طبع می شود.

❦ امیدواری ❦

ارکثر مراسلات کرمان و شکایت جماعتی از اهل شهر و دهات از مستبدین و اخبارات نگاران نهایت متأسف بودم، که خداوندا تا کی باید بموضع اخبارات نیک و مزده افتتاح مکاتب و مدارس و احداث کارخانه جات صفحات اخبارات را بخدمت عمر و زید و واقعات ناگوار وطن سیاه بنام بحمدالله در این هفته مکتوب و نگارش وکیل محترم جبل المتین بعد از مدت متمادی رسیده تا یکدرجه اسید امیدواری کردید که برادران ما دواوی درد بی درمان جهل و فقر را پیدا کرده، تأسیس مکتب ابتدائی در کرمان نموده خداوند نایبان این امر خیر را توفیق کرامت فرماید.

که در اقصی بلاد ایران دور از مرکز باوجود عدم اسباب دامن غیرت و فتوت بکمر زده اساس مقدس علم و مکتب ابتدائی تأسیس نمودند.

❦ لایحه وکیل محترم جبل المتین از کرمان ❦

عدم صریحه نگاری کثرت گرفتاری است لکن در مقام معارف برستی فریضه ذمه خود میداد، که محض تشویق ابناء وطن و پاس حقوق غیرت مندان خدمت آن جناب مؤده داده باشم که بعد از مأیوسی فوق العاده بحمدالله والمته از همت معدودی از وطن پرستان يك مکتب ابتدائی در کرمان تأسیس شده.

حادث این کلامه ثقی که یکی از حکمای عرب است خدمت کسری انوشیروان شاهنشاه ایران رسید کسری فرمود. با این صفات ذمیمه و عدم ماکولات و مشروبات و جمالت عرب و عدم مراعات حفظ صحت

طیب چه میخواهند

حادث عرض کرد همچو قومی طیب زیاد نر لازم دارند فی الحقیقه حکمت عمده بعثت حضرت خیرالبشر در عرب صکه خود کلام رب مجید ناطق است باینکه (الاعراب اشد کفراً و نفاقاً) شاید همین باشد که خداوند از مبانه همچو قومی که عادات ذمیمه آنها از قتل و سرقت و تاراج و کثافت و بت پرستی حتی قتل دخترهای خود و عصیت های جاهلیت و بی رحمی و عدم عصمت و سایر عادات آنها از تمام روی زمین زشت تر بود يك همچو حکیم بزرگوار و پیغمبر رحمتی مبعوث فرمود که در عرصه سه چهار سال حکما و علما و دانش مندان آنها بانطق و بیان حکیمانه ما سلاطین روی زمین گفتگو نموده آنها را دعوت شوخید و دین اسلام می نمودند، و از جواب آنها عاجز بودند حاصل عرض آنکه شهر های دور از تمدن مکتب زیاد تر احتیاج دارند، بر دولت واجب است امروز در بلوچستان سه مکتب اخباری تأسیس فرماید، کثرت فهم و ذکاوت اهالی کرمان را دلیلی بر این صنایع این ملک است، ما بی عاقلی این همه هنر ابراز میدهند، همین قالی را اگر با علم تمام نمایند ده درجه بهتر خواهد شد.

بالاخره جناب آقا سید جواد یکی از سادات و فضیلتی وطن پرست که، علاوه از تحصیل علوم ادبیه زبان انگلیسی را نیز تحصیل مسافرتی طهران فرموده پس از معاودت در خیال تأسیس مکتب جدیدی افتاده، متدرجاً جمعی وطن پرستان نیز با ایشان هم رای و هم خیال شده، تا در روز عیداضحی انجمن تشکیل داد، دوازده نفر اعضای آن قرار داده و هر کدام مبالغی بجهت این بنا طابه گذارده با کثرت آراه ریاست مجلس را بجناب آقا سید جواد مفوض نموده و اعضای انجمن مزبور بموجب تفصیل ذیل است.

جناب آقا سید جواد رئیس - جناب آقا میرزا مهدی خان مستوفی رئیس دفتر - جناب آقا میرزا رضا خان ناظر انجمن - و سایر اعضای محترم جناب قوام الاسلام که همیشه دعوی دارند که هستی خود را وقف این اعمال خیره نمایند. جناب آقا مهدی از علما زادهگان کرمان - جناب آقای میرزا حسن خان و آقای میرزا

عبدالله خان آقا ز / وطن بجهت درس اطفال مجانا حاضر شده، و این خدمت
سن به کالات / را شرف افتخارات خود میدانند .
جناب آقا میرزا سید ر - معلم عربی جناب آقا حسین معلم که عمر خود را
هدایت حکیم ملقب به شمس الحکماء و جناب آقا محمد تقی تمام (که نکونام زیست)
کربلایی حسن ناچر کرمانی که بعنوان وکالت اشراف
و اصناف طهران رفته وکیل از خود معین نموده ،
جناب آقا میرزا آقا مستوفی ، و جناب احمد السلطان
رئیس گری و بست راه کرمان و یزد

بعد از آنکه در غره ربيع الاول به مینت افتتاح
مکتب خانه را نمودند حضرت ولا فرما فرما که خود
در خیال تأسیس مکتب خانه در کرمان بودند
و همیشه به نگارنده می فرمودند اگر در کرمان
توقف به نایم فریضه - مه خود میدانم که مکتب ابتدائی،
بیمارخانه ، دارالصنایع ، بعضی کارخانهجات ایجاد نمایم ،
لاکن بدبختی ما ها آن مجسمه وطن پرستی را از کرمان
ب طهران احضار فرمود

از این اخبار تأسیس مکتب اظهار وجد فرموده
فوراً سیصد تومان اعانه مرحمت فرموده خواهش
فرمودند ثواب والا آقای نصرت الدوله حکمران کرمان
فرزند دلیند ایشان را نیز از اعضای این اساس نیک
بختی قرار دهند ، لهذا جناب آقا سید جواد ریاست
خود را ایشان تقدیم نموده نیابت را اختیار نموده و
حضرت والا نصرت الدوله که سالها در بیروت تحصیل
فرموده و عشق بمعارف دارند یکدفعه بدون اخبار
بجهت امتحان بمکتب تشریف آورده امتحانات نموده
یکصد تومان انعام و اعانه التعمات فرمودند .

با وجود عدم اسباب بمحمد تقی یکی از مدارس خوب
بشمار میروند جناب حاجی میرزا محمد علیخان شیرازی
از نجیبای فارس شخص وطن پرست دارای علوم و کالات
ناظم مدرسه مقرر شده - جناب میرزا حسن علی خان
که مجسمه نجابت و شرافت و صاحب علوم و عالم بزبان
فرانس و هندسه و جغرفیا و تاریخ میباشد صاحب
مناسب دواتی که تمام عمر خود را بخدمات دوات در
فارس و کرمان بصدافت بسر برده و تمام نوکر توپخانه
را تعالیم داده و بحسب قانون مروت و انصاف بایستی
امروز یکی از سردارهای بزرگ ایران باشد در کرمان
بی نام و نشان مانده، محض حب وطن و تربیت فرزندان

و ناظم و معالمن بزبور علم و تقوی آراسته ، در این
مدت قلیل متجاوز از یکصد نفر شاگرد فراهم آمده،
که دیگر جای قبول کردن شاگرد نیست ، بست نفر
شاگرد بجائی وسایر بقدر استعداد خود ماهیانه میدهند،
و الحقی در این مدت نلیل ترقی فوق العاده کرده
خلاف مروت دانستم که این زده را ب اداره اخبار
مقدسه نداده باشم

از قرار تقریر جناب ریاس محترم حضرت والا
فرما فرما وعده فرموده که مدرسه بزرگی معین و مخارج
آنها نیز از عملی یادار فرمایند که ابد لدهر بقی بماند
و همه روزه از این کارخانه آدم سازی انسان ! علم
وطن پرست بیرون آید ، امیر و اریم بزرگان و دولت
مندان این شهر که هر کدام به تنهایی میتوانند تأسیس
مکتب خانه و مریض خانه نمایند تأسیس باین امر خیر
فرموده نام نیک بر خود بگذارند برای هر ذی حس
واضح است که هیچ امر خیری بهتر از ایجاد مکتب
نیست، بمحمد تقی مدارس عالیه که در آنها تحصیل علوم
معادیه و معارف و عرفان می نمایند زیاد است ، لکن
این مکاتب علوم معاشیه تحصیل می شود با که علوم
معادیه را نیز فرا میگیرند، فرقی که دارد اولاً در یک
سال بقدر پنج سال اطفال کار می کنند ، علاوه تربیت
انسانیت، وطن پرستی، می آموزند، ملاحظه حفظ صحت
آنها می شود ، عمما قریب انسان خواهد مرد و تمام
زحمات یکمتر او ناچیز خواهد شد، چه بهتر از این که
نام نیک ابدی بر خود گذاریم و چندین هزار اطفال
وطن را احیا نمایم (برای نهادن چه سنگ و چه زر)
بروز نامها رجوع نمایند که دولت مندان روسی
زمین با اینکه صد کرور و هزار کرور دوات دارند،
کم نام میباشند ، مگر اینکه خدمتی بمعارف و انشاء
وطن نمایند - زیاده عرضی نیست

(وکیل جبل المین کرمان)
ذرفول
از بسکه طاقه الوار (کزانه) سال گذشته در اطراف

خرم آباد و پرو جرد شرارت و هرزگی نموده بودند دیگر امسال روی رفتن بد آنجا را نداشته اند، لهذا ترك رفتن سرد سیر را که با اصطلاح خودشان بیلاق باشد لابد نموده، و در اطراف دزفول که گرم سیر است سکونت اختیار کرده اند در شرارت حضرات (سکوند) این قدر کفایت است که باغواهی قاضی خان که يك از رؤسای ایشان است حضرت والا سالار الدوله بنای حرکات و حشیانه را گذاشته از حاده اعتدال منحرف و بی راه و گمراه و گرفتار اعمال خود گردید قاضی خان که از این حرکت بی معنی که از او بظهور رسیده ترسیده ماندن در شهر خرم آباد را خلاف احتیاط دانسته شبانه از خوف حکومت وقت فرار نموده و حفظ خود را در بناه سارقین (دیرکوند) دیده فعلاً داخل در آن جماعت یانگی و در میان کوهستان متواری است -

پسر قاضی خان با حسن خان عموزاده او با جمیع طایفه (سکوند) در دهات دزفول منده ازبکه تشدد و تمهیلات فوق الطافه بر رعیت دهات مذکور نموده ایشان را از عمل کشت و زرع باز داشته رعیت بیچاره هم بستوه آمده شکره بنای الحکومه حالیه که جناب حاجی سیف نظام بختباری است کرده نایب الحکومه هم آنچه می نمود که شاید بدون زحمت آنها را کوچک بدهد و از میان دهات بیرون نماید بخرج رفت و بدفع الوقت میگذرانند.

لابداً حاجی سیف نظام با عده سوار که روی هم رفته پنجاه نفر میشد از دزفول بقصد اینکه آنها را قهراً حرکت بدهد بیرون آمده، قدری از آنها را جبراً بطرف رودخانه (کرخه) کوچ داده، قدر دیگر که نزدیک بقعه مبارکه حضرت دانیال (ع) بودند، حرکت دادند ایل را تصحیح نه نموده در خلفاء با هم معاهد می بندند بر اینکه حاجی سیف نظام که از این راه برای زیارت حضرت دانیال (ع) عبور می نماید بر او تاخت نمایند.

بنا بر این عهد جمعی سوار و تفنگچی زیاد بجایای محکم می نشاندند، حاجی سیف نظام با کل از این فقره غافل و قتیکه مقابل میرسد يك یک دفعه شایک میکنند در میان سواران حاجی سیف نظام قدغن سواران مخرد میکند که احدی نباید تفنگی خالی نماید عاقبت الامر از بسکه جماعت بد

طیب سکوند) شرارت را از حد و اندازه بیرون بکنند دیگر قوه تحمل و طاقت بر سواران بختباری نبوده جماعت (سکوند) را تعاقب میکنند و ایشان را از جلو بر میدارند، همه جا آنها را دنبال میکنند تا در میان خانهای خودشان، جماعت سکوند از پیش احتیاط نموده در جلو خانهای خود سکرهای حکم تهیه نموده تفنگچی قابل در میان آنها نشانیده، در این وقت که این قبیل سوار بختباری که از جلو رفته بودند مقابل آن جماعت رسیده ناگاه از کین در آمده و در میان این جماعت قابل شایک نموده گلوله های (سکوند) کارگر بخرد حضرات بخاری نگردیده ولی نه رأس اسب های ایشان گاله خورده، حضرات سوار بختباری هم تقاص نموده، سه نفر از خوانین (سکوند) را بضرب گلوله از پای در آورده، که فوراً جان تسلیم نموده دو نفر دیگر نیز از آنها رخم کاری برداشته، دو نفر را هم دستگیر کرده اسلحه آنها را گرفته خودشان را رها میکنند

حضراتی که اسبهای ایشان کارله خورده ابداً دست نکشیده و جنگ را قطع نکرده با پای پیاده مشغول دفع (سکوند) میشوند، خود حاجی سیف نظام در عقب منده بود و از اوضاع ابداء اطلاع نداشت، وقتی که خبر برایش آوردند فوراً قدری سوار بامداد آنها فرستاده، وقتی که حضرات بختباری صاحب قوه شدند دیگر فرصت بطرف مقابل نداده، جلو ریز آنها را نامیدان خانهایشان عقب نشانیده و در این پورش بقدر سی و چهل نفر از آنها را بدست آورده بیادهای خود را سوار میکنند، حاجی سیف نظام بملاحظه اینکه بیاداً حضرات (سکوند) جلوگیری نمایند خودش قائمه (زاویه) را گرفته و سکر میکند، حضرات بختباری هم کلاً در میان قلعه در اطراف اوجم میشوند، سه نفر سوار بختباری که دو یوم پیش مدیر گمرک دزفول را که عوض شده بود بشوشر برده بودند حالا مراجعت نموده و از اوضاع اطلاع نداشتند، همین قدر شنیده بودند که حاجی سیف نظام رفته است برای اتام کار (سکوند) بطرف حضرت دانیال (ع) ایشان هم بدون تأمل عقب حاجی سیف نظام میروند، در بین راه جمعی از اشرار (سکوند) را ملاقات میکنند چون

از مقدمه جنگ هیچ اطلاع نداشتند دوستانه پیش حضرات (سکوند) میروند که از حال رئیس خود اطلاع پیدا نمایند ، وقتیکه پیش آنها میرسند حضرات می بینند که این دو سه نفر تازه رسیده اطلاعی از جانی ندارند اطراف آنها را بگیرند و میخواهند اسلحه و مالهای سواری ایشان را بگیرند ، آنها تمکین نمیکند هر چند صیحت میکنند و میگویند که میان ماها این نوع رفتارها با هم دیگر بنا نبوده ، حضرات (سکوند) میگویند که امروز حاجی سیف نظام چند نفر سوار از ماها کشته ما هم اکنون شما را بعوض آنها میکشیم تا تلافی کرده باشیم ، سه نفر سوار بختیاری وقتیکه ملفت کار می شوند می بیند بدگیر کرده اند ، آن دیو سیرتان بعد از آنکه آنها را دستگیر کرده دو نفر شان را کشتند ، و اما طایفه در میان همه ایلات باین شرارت و دذابت پیدا می شود ، در پیش همه طوائف این مسئله مسلم است که کسیرا که دستگیر کردند از کشتن و تلف کردن ایمن است

زودیک بفروب آفتاب در قاعه زاویه این خبر وحشت انگیز قتل سوارها بسمع حاجی سیف نظام میرسد ، فوراً با آن قلیل سوار و جزئی استعداد حرکت بطرف ایل (سکوند) که عبارت از سه چهار هزار فندگی باشد می نماید ، علم الله امروز چشم روزگار چنین واقعه ندیده که جمیعی باین قلت طرف بشوند با جمیعی باین کثرت در حالیکه فتح و غلبه با آنطرف باشد ، چنانچه در این دفعه حضرات بختیاری جماعت (سکوند) را تا خلفایشان عیب نشانیده ، شکست فاحش داده فردای آن روز باز حاجی سیف نظام در نهایت تشدد پیغام باها داد که هرگاه باختیار کوچ نکرده و از این حول و حوش بیرون نرفتید این دفعه دست بردار از شما نیستم مگر آنکه عیال و اولاد تارا اسیر و دستگیر نمایم ، جماعت (سکوند) چون دیدند که طرف شدن یا ایشان سرفه ندارد فوراً کوچ کرده و دهات را خالی گذاشته بقدر دوسه فرسخ دور تر رفته و نشیمن ساخته اند ، حاج سیف نظام را هم حضرات آقایان علماء دزفول احضار بشهر نمودند ایشان هم اجابت نموده مراجعت کرد

الحال هم حضرات علماء و عموم شهر همه روزه

مجلس کرده و رأی میدهند در اینکه باید نوعی شود که این اشرار از خاک دزفول بالکل بیرون بروند در اینجا نیز باید اظهار امتنان از عموم اهل دزفول نمود ، بواسطه آنکه نهایت شرکت و همراهی را در این مقدمه با نائب الحکومه بخرج دادند ، چنانچه از بابت کار سازی احتیاجات سخت گیری بایل (سکوند) نمودند که در این چند روزه کار بر ایشان سخت شده و همه چیز در میان ایل قحط گردیده بدین جهت از شدت الجاه و اضطراب تسام و تمکین محض شده اند ، چنانچه متصل بیفامات میدهند و شفیع برمی انگیزند که هر نوع میل حاجی سیف نظام است اطاعت داریم ،

اموالی را که از قافله عماره و حجاج بیت الله الحرام بغا کرده بودند کلاً جمع نموده بدون کسر و نقصان بصاحب آنها رد و تمهید هم کرده اند که خلوت بهای دو سوار بختیاری را چنانکه رسم ایلات است از عهده بر آیند ، و نیز قول داده اند که ضرر و خسارتیکه بر دعوات و زراعات رعیت وارد آورده اند جبران و تلافی نمایند ، بلکه حاجی سیف نظام در این رشته هستند که چند نفر از خوانین زادهای آنها را بعنوان رهن بگیرند که تا زمانیکه در این خاک هستند دیگر برامون فته و شرارت نکرده ، اکنون که محمدالله مردم از شر آنها آسوده اند ،

خدایا شکر که آب و هوای ایران تغییر و انقلاب کلی پیدا نموده اتفاق و اتحاد را بدون هیچ مقدمه فراهم میاورد ، چنانکه هیچوقت چنین اتفاقی در اهالی دزفول دیده نشده و بدین واسطه لنگدکوب جمیع الوار و اعصاب واقع می شدند ، تا بعد چه شود اطلاع خواهد داد (اقل المشایخ محمد مهدی دزفولی)

مکتوب از خوی

بدون منظور نظر و بی مدافعه این مراتب معروض خواهد شد ، فی الحقیقه ارباب جراید را در ذمه ما ایرانیان حقوق بی نهایت است ، زیرا از برکت انتشار روزنامهها و از یمن کلامهای درر آسای آنان خفتهگان چندین ساله که بمنزله مرده دن این روزگار بودند از خواب غفلت بیدار و از سرمستی باده خمار هوشیار شده به جبل المنین طریق سعادت چنگ زده و کلامهای حقیقت انجام را با گوش و هوش استماع کرده از مراقب

لجۀ بلانجات یافته بساحل سلامت رسیدیم .

ازین و بعد قدم بدایرة عوالم انسانیت نهاده و داخل
 ذمرة مردمان روزگار شدیم پس لازم است با کمال
 تکریم و تعظیم در ادای تشکر و دعاگوئی ارباب جرائد
 مسارعت نمایم ، که هرگاه این هادیان صراط مستقیم
 نه بودند تا حال مرحله پیمای در بادی جهالت و عالم
 وحشیت بودیم ، و از زحمات ارباب جرائد که
 درین مدت کشیده و بدون چشم داشت و بی
 هراس حقیقت واقعات را درج صفحات صداقت
 فرموده ماها را آگاهانیده از اسارت قید ظلم و اهل
 استبداد رهائی داده اند کمال امتنان داریم ، و در حق
 مدیران جرائد همین کافی است که جز از مستبدین و بی حیثان
 عموم ملت ایرانیه نباشد و روز از صمیم قلب دعاگوئی شان
 هستیم ، از آنجائیکه آن ذوات ستوده صفات حامی شریعت
 محمدی (ص) هستند البته از راه وطن دوستی و ملت
 پرستی در حق گوئی و حق نویسی دریغ نخواهند فرمود
 آری میتوان گفت همین اقدامات مجدانه ارباب جرائد بمنزله
 جهاد فی سبیل الله میباشد ، چونکه در باب احببای
 احکام شریعت طاهره بزحمات کثیره و طعنه دشمنان
 متحمل شده ابداً فروگذاری ندارند ، خدا انشاءالله
 ارباب جرائد را موفق داریم و در حضور رسول مختار
 صرافراز فرماید و کلامهای در ر آسایشان را چون
 قطره باران نیسانی که خاصیتی خاص دارد و در بطن صدف
 لؤلؤ شاهوار می پرورد و در کام افی زهر ملامت است
 در مذاق هر مطالعه کننده چون شهد و شکر ولی در
 کام افی خلستان که مستبدین بدانیش اند تا اثر رسم
 قاتل بخشد .

باری از مطلب خارج نشویم چون عقده مهمی
 در خاطر است و در کشودن آن توسل به جبل المتین
 جنابعالی نموده بدون فرض عرض وطن دوستی
 و مکلف بودن در اظهار مطالب مکتوب بی غرضانه
 با عبارات ساده و گشاده نموده خواهر دارم
 درج صفحات جبل المتین فرمایند ، و هرگاه مطالعه
 فرموده از فقراتش واقف گردید معلوم است امر
 خواهد شد بنگارش آن ، چه همین مطالب بیک
 درجه جنابعالی را تکلیف است برای رفع اشتباه کاری
 و دفع ظلم ظالمان برده از روی شاهد مدعا برداشته
 اعمال و افعال مستبدین بی انصاف و طرفداران ایشان را
 یکباره منتشر نمایند ، بلکه از خدا و صاحب شریعت
 شرم نموده در احلال احکام شرع زیاده ازین نکوشند
 و امید و اتق بدان جناب دارم که در باب درج نمودن
 همین مکتوب اعمالی فرماید انشاءالله در حضور

صاحب شریعت رو سفید و مأجور خواهند شد

وقایع جانسوز ما کو

(۲۰ جادی الاولی)

وقوع این وقایع و حدوث این حوادث بر ضمیر
 منیر اولیای دولت و وکلای ملت پوشیده و مخفی
 نیست ، ولی باز هم عرض مزید اطلاع عرض می نماید
 اقبال الساطنه ، سردار ، و حضرت الله خان سالار که
 مطرود ملت بودند با شماره مرکز مراجعت به ما کرده عهده
 عشاوار کرد جلالی و میلازی شده تمامی محالات اطراف را
 جبراً و قهراً مجبور به تبعیت خود و بتزک مشروطیت
 دعوت نمود ، هر جا که تابع نمی شدند قتل و غارت کرده
 گرفتار انواع بلیات و مبتلای هزار عقوباتشان می نمودند
 که قلم از نوشتنش خنجر و شرمنده است حتی از
 کشتن اطفال صغیر و پستان بریدن و اسیر نمودن و فقط
 زدن و سوزاندن ابدان و هتک عصمت نسوان سر موی
 مضایقه نکردند ، سر مجلسیان سلامت باشد اینها نقلی
 ندارد مگر نه ایران چهل کرور نفوس دارد نیم کرور
 هم مقتول منقوط و منطوع الاعضاء شوند نه قصوری
 بر سلطنت و نه کشوری بر مملکت وارد می آید در این
 جا دو شعر سعدی شیرازی بنظرم آمد

- (حرام است بر پادشاه خواب خوش)
- (که باشد ضعیف از قسوی بارکش)
- (نیاید به نزدیک دانا پسند)
- (شبان خفته و گرگ در گوسپند)

وای بر وقتی که گرگ مأمور از جانب شبان باشد
 حال آن گوسفند معلوم است ، هرگاه این قضیه به تفصیل
 عرض شود دقتی بزرگ لازم است ، از عهده اخبار
 نویسی خارج و هر چه در این باب به تبریز و طهران
 و حضور اولیای دولت و وکلای ملت تلگرافات متظاهره
 و داد خواهی نموده اند علاجی نشده یعنی چند فقره
 تلگرافات رمز و غیر رمز از طرف اولیای دولت
 باقبال الساطنه و سالار ارسال ما کوشده ظاهراً گفته نمیکن
 نکرده ، بر مراتب اقدامات جلادانه و تعدیات ظالمه
 بی باکانه خود افزوده اند ، آخر الامر بیک فرسخی شهر
 خوی رسید و دو مرتبه اقدامات وحشیانه خود را
 از سر گرفته خدا رحم کند ، و عنقریب است که بخود
 شهر داخل شود و ملت را مضمحل و بنای مقدس
 مشروطیت را منهدم سازد ، لطف این است بعد از
 خرابی بصره جناب اجلال المک بموجب حکم طهران
 از تبریز مأمور به تحقیقات شده که رفته اصلاح
 ذات الیوم نماید دوشنبه ۱۹ جادی الاولی از خوی حرکت
 و عازم مرکز مأموریت گردید چه نتیجه ظاهر شود

خدا داند

(شب تاربك و بيم موج و گردابی چنین حائل)
(کجا داند حال ما سبك بارش ساحلها)

تلکرافات

(۶ رجب - ۱۶ آگست)

§ دوامین فراسه و اسپانیا در فرستادن قشون جدید در (کاسابلانکا) متفق الرأی شده اند -

§ عموم دامایان را رأی این است که ایسوت (جنزل درود) خیلی احتیاج به قشون جدید دارد -

(۷ رجب - ۱۷ آگست)

§ از طرف قبایل مشرقه اعراب قاصدی مخصوص (در کاسابلانکا) آمده و خطی به (جنزل درود) داده باین مضمون که فوراً خود را به هیئة (کابلیس) رسان وره حمله سختی نموده قشون فراسه را معدوم خواهند نمود -

§ جنزل (درود) باین خط ابتدا جوابی نداده است -

§ مخبر (روتر) از (کاسابلانکا) خبر میدهد که اعراب نادیه بمرض غارت از اطراف در آنجا میرسند، جنزل (درود) خود را در محل سلامت می بندارد، در (کاسابلانکا) افواهی شیوع یافته که

سلطان (مراکو) از (فیض) بای تخت خود بسمت رباط رهسپار شده تا شخصاً با اعراب مقابله نماید

§ مخبر (روتر) از (توکبو) خبر میدهد که وزارت خارجه انگلستان از (بیکن) خبر رسیده که ماکه چین بمرض صعبی مبتلاست - از این رو دولت چین

تا اندازه در خوف و تزلزل است

(۸ رجب - ۱۸ آگست)

§ در (بولاند) روسیه مرض و با شیوع یافته است

(۹ رجب - ۱۹ آگست)

§ اعراب دبروز بار دیگر بر (کاسابلانکا) حمله آوردند، قشون فراسه از جهات جنگی بر آنها شایک

نموده قبیله (کابلیس) بسبب موجود نداشتن گلوله و باروت با شمشیر حمله می کردند، دو سرباز فراسه

مقتول و ۳ نفر مجروح شدند، از اعراب اتلاف نفوس زیاد شده قشون اسپانیا در این حمله شرکت نداشته است

(۱۰ رجب - ۲۰ آگست)

§ تخمین (۲۰۰۰) عرب در جنگ (کاسابلانکا) بدل رسیده است

(۱۱ رجب - ۲۱ آگست)

§ امور فراسه با شدت (ناخیر) را پیش داده و سراب مونی حیرت را باندت انتخاب نموده اند

بدین عیده نه وی قشون معصم مرتب خواهد نمود
§ نمایندگان دول متیم (رویس) را هدایت شده که اگر لازم

شود - اهلی اروپا را صلاح دهند از آنجا حرکت نمایند
§ (سیوکایمنسو) امروز با (ادوردهفتم) پادشاه انگلستان در (مرینباد) شرکت در تناول عصرانه خواهد نمود - از این رو جرابد فراسه اظهار تشکر نموده می نویسند از این ضیافت مات فراسه را افتخار زیاد حاصل است

§ مجلس شورای ملی انگلستان امروز تا ساعت هشت مشغول مباحثه بوده، امسال بار دوم است که تمام شب در مجلس شوری مباحثه شده است

§ (سیوکایمنسو) از ملاقات اعابحضرت (ادورد هفتم) پادشاه انگلستان زاید الوصف مسرور شده و اظهار داشته که

حین ملاقات بر غالب امور گفتگو شده خاصه در ماده (مراکو) و امیدواری کامل از هر جهت داده اند

§ در مقام (موگادر) انتشار یافته که (مولی حفید) با (۲۰۰۰۰) سوار بسمت (کاسابلانکا) برآمده حرب اروپائیان رهسپار است

§ اصرانی که فعلاً در (کاسابلانکا) جمع اند با یکدیگر اتفاق کامل ندارند

(۱۲ رجب - ۲۲ آگست)

§ بای اعابحضرت امپراطور آلمان در (ویلم-شوی) لغزیده بزمن اقتصاده ضرب شدیدی بسای راستشان رسیده، مدتی دراز باید مثنی نمایند و با راحت بسر برند

§ (مدرد) بای تخت (اسپانیا) در کابینه وزرا رئیس الوزرا اظهار داشته که قشون کک مجددا

در (کاسابلانکا) فرستاده نخواهد شد و قشون موجوده را حکم شده بموض پلیس محافظت شهر را نمایند

§ طاعه را خیال این است (مولی حفید) در حکومت طرفدار برادرش است

(۱۳ رجب - ۲۳ آگست)

§ تلکرافی که ۲۱ آگست از (کاسابلانکا) رسیده ظاهر میدارد که جمع کثیری از سواران عرب که صفوف آنها دو میل را فرا گرفته بود بر اردو بی فراسه حمله برده، باوجود شایک توپ از خشکی و دریا تا

(۱۰۰) ذرع فاصله به توپخانه فراسه رسیده، من بعد عقب نشستند

بقیه از صفحه چهار همین شماره

آیا امور می فرماید که اگر اشاره بسفیر روس شده بود این حرکت غیر مشروع جرأت چنین خواهش میکرد؛ آیا گان میکنید ملك التجار راه نمایان تدبیر نگردید؟ آیا هنوز هم بر مقاصد

مکتوبه امین السطان شبه تان باقی است ؟ آیا تاکنون
بر نگارشات حقه حبل المتین توجه نخواهد فرمود
(کاش گشوده نبود چشم من و گوش من)

این حرکت هیئت وزراء خارج از دوشق نتواند بود،
یا از روی همد و علم بوده (درین صورت باید گفت
وزراء ملت و دولت خیانت کرده، شایسته نیست که
درین مقام منبع جای داشته باشند) یا از روی سهو
و خطا و لاعلمی (درین صورت هم مسلم است که
اینگونه رجال قابل آفت نیستند که حفظ شرف و
ناموس يك ملت و دولت بدست آنها سپرده شود)
در هر دو صورت باید استعفا دهند

ای وکلای محترم آیا ملاحظه نموده اند که در هر صفت
این چهار ماه که امین السطان رئیس الوزاره ایران
شده يك قدم مجلس پیش نرفته ؟ آیا مقاصد او را
ندانسته اید ؟ درین صورت چرا ملاحظه می کنید ؟ چرا
مرعوب شده اید ؟ این ملاحظه و مرعوبیت شما بحال
دولت و ملت ابدأ مناسب نیست، پرده بالا افتاده،
مردم هم چیز را فهمیده، میگویند «آیا این است
معنی نگاهداری شرف سلطنت و ملت ؟ آیا این است
اصول محافظه ناموس اسلام ؟»

ای حجج اسلامیه، ای حافظین شریعت بیضا،
اندک به نظر تشریح باین اقدام هیئت وزرای دولت
اسلام نگاه فرمایید، که چه خوب حفظ ناموس اسلام
و مسلمانان را نمودند؟ عجب شئون سلطنت اسلامیه
را نگاه داشتند، ؟ چرا این هیئت که بر باد دهند
ناموس ملت و دولت اسلام شناخته شدند بر طرف
نمیکنید ؟ چرا از وزارت خارج نمیخواهید ؟ که جدا
تبدیل سنیروس را از دربار امپراطوری بخواند ؟
ملت و دولت ایران اگر باین مرعوبیت باقی ماندند
هرگز روی سعادت و برقی نخواهند دید، بحقیقت
دیانت محمدیه (ص) سوگند اگر اتحاد ملت ایرانیه در
حفظ حقوق خود متحد شوند، روسنها سهل است،
تمام دول برخلاف آنها متحد شوند نمیتواند موئی از
سر دولت و ملت ایران کم نمایند

همه میدانید که سایر وزراء مرعوب امین السطان
و امین السطان گویا وظیفه اعظم خود میدانند که بهر
وسيله ممکن باشد رعب روس که به ناپیدات غیبیه از قلوب
ملت ایرانیه زائل شده دوباره جای دهد. عقیده ما و جمیع
دانشمندان بی غرض این است که اگر امین السطان
بروی کار باعث هیچکار از مجلس شوری پیش نخواهد
رفت، چنانچه در این چهار ماهه اخیر مجلس يك قدم
فراتر نگذاشته، بلکه همه روزه در انظار خودی و بیگانه

کسب پستی برای مجلس نموده است ملت و دولت ایران
با بودن امین السطان در سرکار متحد و متفق نخواهند شد،
رسوخ و فتنه در ایام ریاست استبدادی خویش در دربار
ایران بدولت روس بختیده بود لازم بشرح و بسط
نیست، همه میدانید، درین چهار ماهه مشروطیت هم
رنگ هائیکه بآب زده همه آفتابی شده لیاقت و قابلیت
شانم در هر امر خوبی معلوم گردید

آیا منتظرید که خدای ناخاسته ما را دست بسته
تسلیم روس به نماید تا آن وقت جاره او را به نماند ؟
بخدا قسم برحضرات عالی الله شبهه می نماید، و خود
را لحوش مرده قلم میدهد، وظیفه ما گفتن است
میگوئیم - شما بزرگواران و ظانف مقدسه خود را بهتر
میدانید - ولی با کمال ادب همین قدر عرض می نماید
که بوجود کائنات سوگند، مؤبدالاسلام مدائی وطن،
و جان نثار ملت و واقف بموقف زمان، و مطامع به
نکات سیاست و پانیک عصر حاضر است، و از هر نقطه
از اشخاص موثق و قف باو اطلاعات صحیحه میرسد،
بی هوده سخن نمی سراید و باغراض شخصی قلم
نمیزند، هماره حق گفته، و در طریق حق پوییده
الغایت به ریاض لازم است

(شیر حقم نیستم شیر هوا)

(فعل او بر قول من باشد گوا)

تذکرات روتر راجع بایران

(۹ رجب - ۱۹ آگست)

§ مخبر (روتر) از طهران خبر میدهد که محاکم عدلیه
بالمره بیکار و مقصرین را کلبه مجازات داده نمی شود،
بی نظمی شهر و اغتشاش بلاد بدرجه کمال است، رئیس
مجلس شورای ملی با هیئتی که عبارت از شش نفر
اعضای مجلس بود عرضداشتی حضوراً تقدیم پیشگاه
اقدس شاهانه نموده، در جواب اعلیحضرت همایونی
با کمال ملاطفت اظهار فرموده اند که همه قسم در همراهی
و تأیید مجلس آماده ولو از درباریان و خانواده جلیله
شاهنشاهی هم مخالف با دولت و مجلس باشد و مجلس سزا
و منزل او را مخزاهد البته منزل شده و سزا داده خواهد شد

(۱۰ رجب - ۲۰ آگست)

§ مخبر (روتر) از اسلامبول خبر میدهد که قشون
سرحدی عثمانی مسافت زیادی از خاک ایران را پیچوده
با وجودیکه با بهالی رسماً اطلاع داده بود که حرکات قشونی
موقوف شده است، سفیر ایران برای رجعت قشون
عثمانی به با بهالی رسماً مخاره نموده است

§ قبل از تدارک روانگی کبیسون در سرحد
عثمانی و ایران نائب قونسل انگلیس مقیم تبریز از دولت

چهل و پنج سالگی
میکل کالج استریت نمبر ۴

Habul Malin Office,
4, Medical College St.,
CALCUTTA.

و کلاسه دار ابونجبت مشترکین اند
(بدل ابونجبت اخبار پیشگی گرفته میشود)

قیمت اشتراک

سالانه -- شش ماهه

هند و برمه

۱۲ روپیه -- ۷ روپیه

ایران و افغانستان

۲۰ قران -- ۲۵ قران

عثمانی و مصر

۵ مجیدی -- ۳ مجیدی

اروپا و چین

۳۰ فرانک -- ۱۶ فرانک

روس و ترکستان

۱۰ منات -- ۶ منات

نامه مقدسه

الملتین

سنه ۱۳۱۱

(مراسلاتیکه بدون امضای معروف اداره)

(باشد درج نخواهد شد)

کلیه امور اداره با

مدیرکل مؤیدالاسلام است

هر دوشنبه طبع

و سه شنبه توزیع میشود

یوم دوشنبه

۲۳ رجب ۱۳۲۵ هجری

مصادف با

۲ ستمبر ۱۹۰۷ میلادی

در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملتی بحث میشود
(مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست)

فهرست مندرجات

- (صفحه) (عنوان)
- § (۱) وقایع نگار مخصوص اداره زیادتی عثمانیان در سرحد ایران *
- § (۲) جبل‌المتین *
- § (۳) تکرافات روتر راجع بایران *
- § (۴) جبل‌المتین *
- § (۵) لایحه یک از علای جلیل سلطنته تعالی *
- § (۱۲) قابل ملاحظه اهالی بوشهر *
- § (۱۷) اعلان * ایضاً * میکادو نامه * اخطار * اخبارات خارجه *
- § (۱۹) خیر خواه وطن برقی * بنکار * جبل‌المتین *
- § (۲۱) مکتوب از نجف اشرف * صورت تلگراف حجة الاسلام حاجی میرزا حسین میرزا خلیل بحضور مبارک اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی * مکتوب از طهران *
- § (۲۳) تکرافات *

وقایع نگار مخصوص اداره

(زیادتی عثمانیان در سرحد ایران)
مشاهدات عینه ازین قرار است ، که قشون عثمانی که

در سرحدات حوالی ساوجبلاغ بودند، غفلتاً داخل خاک ایران شده ، و از حدود خود که در آنجا قیام داشتند و ماهه نزاع بود گذشته ، دهاتی که موسوم به (کولیا - نیوناب) که ملکی ضرفام‌الملک بود بنها و چپو کردند ، و نیزه (شیخ لومفادی) ملکی اوسلان خان سرب را غارت نموده ، برقریه (ساغلو) چند ساعت کامل شلیک توپ نمودند ، و همچنین برقریه (فرات) ملکی سالار افخم هم طیلی شلیک کردند ، و این قریه در حکومت (ترکازد) بود ، و ساکنین آن هم نسلوری مسیحی اند . صد نفر از اهالی این قریه را بی گناه قشون عثمانی کشت ، بالاتر ازین حرکت قبیله متصور نیست که ده نفر زنان جوان آنها را با هم اسیری بردند ، ظاهراًست این حرکت درین دوره تمدن چندر وحشت‌انگیز است ، حتی دهاتی که جزء حکومت (ارومیه) بود قتل و غارت کرده اند

اهالی این دهات هم بطرف شهر فرار میکنند . قابل لحاظ این نکته است که دهات فوق‌الذکر در سرحد ماهه نزاع واقع شده ، و بلا کلام در خاک ایران مسلم بود عجب تر اینکه دولت و رعیت از کمال اطمینان این دهات سرحدی ابداً دارای هیچگونه اسباب دفاعیه نبوده اند یک اردوی بسیار مختصر ایران در آن حوالی برای

حسجوى قاتلين كشيپ امرىكانى از اروميه رفته بود. حكام ايرانى همجرتصور ميكرند كه قاتلين بيك زاده ها بوده اند، اين اردوى مختصر در نواحى قريه كه موسوم به (زولى) است قرار گرفته بود. بتوسط شخصى از رعايای عثمانى كه مقیم آن قريه بود از اردوى تركى و قوماندان قشون عثمانى و نیز از طرف شيخ صديق براى بيك زاده ها چندين كاغذ رسيد، كه آنها را اغوا نموده بودند كه بحكومت ايران يانغى شوند، و كاندان عثمانى و شيخ مذکور وعده همه قسم حايث نام و يارى و انعام با آنها کرده اند.

اين كاغذات را خود بيك زاده ها بارهوى ايرانى آورده تسليم كردند، و اينك نزد حكومت ايران موجود است، و حال آنكه حكومت ايران قبل از آنكه حكم بدهد اردو در آن نواح برود، به سفارت عثمانى مقیم طهران خبر داده بود كه احتمال ميرود، بيك زاده ها كه از رعايای ايرانند بخوانند داخل سرحد عثمانى بشوند، و از سياست حكومت ايران درباره قتل كشيپ امرىكانى فرار كنند، لذا دولت عثمانىراست كه مانع شده نگذارد داخل خاك او شوند.

بر عكس عثمانى ها مخالف با حقوق بين الدول و همسايگى و اخوت اسلامى بسيارى از ايالات ايرانيرا كه در آن حدود بوده اغوا نموده بخاك خودشان كوچانده اند، اردوى عثمانى كه داخل به خاك ايران شده عبارت از قشون نظامى ترك و ايالات عثمانى و جمع زيادى از ايالات ايرانى كه بقریب ملحق بنمود کرده بودند بوده است.

كاندان اردوى كوچك ايران دكتر اردو را برسانت نزد كاندان عثمانى فرستاده كه جهت تجاوز قشون ترك از حدود خود چه بوده ؟ و بجه دليل به احق تجاوز در خاك ايران نموده است ؟ كاندان عثمانى جوابى كه داده اين بود كه سه ساعت مهلت بارهوى ايران داده مى شود كه بدون مؤال و جواب حركت نماند، كاندان ايرانى چون حكى از مركز نداشت ابتدا دست از پا خطا ننه نموده، مهلتى كه لازم بود تا رسيدن دستور العمل از مركز خواست، ولى اين مسئول نزد كاندان عثمانى مقبول نبود.

كاندان ايرانى در جلو قشون دشمن كه چندين برابر او بود ايستادن نخواست، علاوه بر اين كه حكم جنگ و مخالفت با آنها را از مركز نداشت، بناچار مصمم حركت گرديد، با اينكه هنوز مهلت معينه كه سه ساعت داده بودند تمام نشده بود، قشون عثمانى اردوى مختصر ايرانى را تهاقب کرده، دست قشون ايرانى را هدف كاريه نوبهائى سريع الاطلاق نمودند.

ازين رو كاندان ايران قبل از وقت مجبور بحركت شد در حالتيكه جميع چادرها و آذوقه و خيره خود را كه بالغ برسد هزار تومان قيمت داشت براى قارت و چياول دشمن گذارد، در اين گيرو دار چند صاحب منصب و سرباز ايرانى كشته شد، و نیز بدهائيكه در اين نواح آرام و بي اسلحه بودند صدمه زياد از شليك توپهاى عثمانى رسيد اهم از جانى و مالى خسارت اهالى اين سامان يك مليون تومان اضافه تخمين شده است.

ظاهر است بحسب باتيك ديرينه خود بعضى فرار ازين ننگ و انكار از اين بي اعتدالى وحشت كاراه حكومت عثمانى جواب خواهد داد كه داخل شد اردوى تركى بخاك ايران همان مناظعات عشايرى بوده، كه تربيت نظامى نداشته اند، و مسئول حركات آنها دولت نتواند بود.

بايد دانست كه با بهالى ابدآ نميتواند اينگونه معاذير خلك را پيش كند كه هميشه ايالات ايران و عثمانى تعدى بحدود يكديگر نمود و هيچ يك از دولتين ذمه دار نبوده است.

اردو كه تجاوز نموده و داخل خاك ايران شده و زياده از يك هفته شليك بردهات و قراء ايران کرده شتوت پيوسته، است كه قشون منظم و مشاق عثمانى بوده، و اين مطلب را نميتواند حكومت عثمانى انكار كند، بحسب اينكه مطلبى است كه تمام وكلا و قناصل دول و وقايع نگاران روزنامههاى خارجه و داخله ديده و تصديق نموده، و بجمع عالم اخبار داده اند.

حبل المتين

ما پيش آمد چنين واقعات خود آورده را از وضع باتيك و سياست دولتيان كاملاً مي دانستيم، چنانچه در دوازدهم جادى الاولى در شماره جهل و سه نامه مدمه حبل المتين سال چهاردهم بصراحت درين موضوع بحث نموده، ظاهر داشتيم كه همين زودى قشون عثمانى را مخالفين مشروطيت دعوت بخاك ايران خواهند نموده ظاهر است كه قبل از بروز اين واقعات شماره جهل و سه حبل المتين در طهران اشاعت يافت، ولى احدى از وكلايى محترم توجه باين نكاشات نه نموده، تا آب از سر گذشت و دست از كار سست شد.

حرف آخر اين است كه مجلس بايد سعى نمايد كه دولت را با خود منهدكند، و مخالفين را بهر تدبير باند مراقف سازد، و اگر موفق بر اين امر نشد بقوه جبريه هر كس مخالف با مقاصد مجلس است از سركار دور دارد، و اگر خدائى ناخواست شق تانى از قوه مجلس مقدس كه قوت تمام ملت است خارج باشد وكلايى محترم بدانند كه زحمت پيوده مى كشند، و راه عبث

ما واقع شده گرفتاری ملت و دولت را اسباب رفاهیت و آسایش و نفع خویش میداند، این مرد را از اسلامبول طلب نمایند تا بصله مناقشه از روی شرف نایل شود. ورنه با بودت ارفع لدوله در اسلامبول بشرف این مناقشه مرفوع نخواهد گردید

آغاز تجاوز قشون عثمانی در حدود ساوجبلاغ چهل روز متجاوز است، هیاهوهای وکلای محترم در شورای ملی گوش ملایان را بر کرد، و حرکت دادن فرمانفرما ده هزار قشون بجهت سرحد آنها معلوم گردید. آخر درین چهل روز چه اقدامی در جلوگیری مضموم شده؟ و کدام سردار در تجاوزت دشمن بسته اند؟ از تلگرافات طاهر می شود که تا کنون همه روزه قشون عثمانی پیش آمده، ارومیه را نیز محاصره کرده است، معلوم می شود که دولتین نمیخواهند حلو آنها را بگیرند، ورنه در عرصه این چهل روز باید قشون ایران از (وان) هم گذشته باشد، مطلب همان است که عرض کردیم مجلس باید دولت را با خود هم راه نماید، و قوه جیره مخالفین را از کار باندازد، ورنه هیچ کار از پیششان نخواهد رفت و همه روزه بر هرج و مرج مملکت خواهد افزود

تلاکرافات روتر راجع بایران

§ مخبر (روتر) از طهران می نویسد که جنرال مصمص الدوله و افسران دیگر که اسارت عثمانیان را قبول نموده بودند وحشیانه بقتل رسانیدند.

§ افواه است که قشون روسی در سرحد جمع می شود، ولی روسیان متوحش نظری نمی آیند، طامه را عقیده این است که روسها محض حفظ سرحدات خود این اقدامات را می نمایند

§ قشون عثمانی با توبخانه در فاصله (۴) مای ارومیه مشغول جمع کردن آذوقه و علوقه هستند

§ مظنون است که کاپنه وزیرای ایران تبدیل یابد

§ مخبر (روتر) از اسلامبول خبر میدهد که دولت ایران جمیع دول اروپا را رها اطلاع ده که اگراد عثمانی در سرحد متنازع فیه برخلاف قانون بین الدول تعدی و دست درازی مینمایند - بایلی جواب داده که فوراً حکم خواهد فرستاد که هیچ نوع تعدی از اگراد عثمانی نشود، ووالی (سپاس) و (کرکوک) را در سرحد امر برقی داده که با نمایندگان دولت ایران مدارک نمایند - و قشور عثمانی اگر تجاوز بجزک ایران نموده از آنجا خارج کنند (۱۸ رجب المرجب - ۲۸ آگست)

§ مخبر روتر از طهران خبر میدهد که سردار عثمانی در مواضعیکه از ابرانت قبضه نموده تصرفات ما اکنانه

می بینید چقدر جیره شده اند

هم هم دولتین این است که از یکطرف مات را بستوه آورده، ایوس از بیروی اصول مشروطیت سازند، و از طرف دیگر بر جمیع دول به نمایند که برایها هنوز قابل اداره نمودن سلطنت مشروطه نمی باشند، در متمدنانهی کم کم دارند کامیاب می شوند چنانچه غالب اخبارات اروپا که با هزار قلم معرف ایرانیها بودند و تمجید و تحسین از وضع پیشرفت مجلس می نمودند اینکه سر قلم را برگردانیده می نویسند آنچه را که شایسته مات ابرایه و مجلس شورای ملی نیست، بنده را که وجدان قبول ترجمه آن مقالات نمی نماید -

پوشیده نیست که مناقشات سرحد عثمانی و ایران اضافه بر دو سال است، و کیسیون برای تصفیه امر سرحد بالغ بر يك و نیم سال مشغول می باشد، می باشد، امروز چه واقع شده که باید قشون و عساکر عثمانی تجاوز بجزک ایران نمایند، بخدا قسم تجاوز قشون عثمانی بجزک ایران، و آمدن ترکان در قوچان و قتل و غارت هر دو و اسیر بردنشان يك حکم را دارد، یعنی هر دو دعوت داشته و هر دو عمهای طلب شدند

آیا عقل قبول میکند که غنیم خارجی وارد بجزک ایران شود، بالغ بر سیصد قمر را بقتل برساند، و ملیونها خساره وارد آرد و از دماغ یکنفرشان خون بیرون نیاید، اگر دعوت نداشتند آن سرداران و سرحد داران با آن ایل وایه و جماعت هیچ نباید جلوگیری از آنها به نمایند، آن کاندت نامرد ایرانی نباید يك دقیقه در جلو خصم ایستد، و قصاص یکنفر از مقتولین خود را به نماید

بسیار خوب درین سرحد متنازع فیه دولت نباید يك توب و يك استعکام داشته باشد، آخر اینکه شصت سال است که ثروت مات صرف خرید اسلحه و قورخانه از اروپا می شود این توبهای سریع الاطلاق که تازه خرید شده و عثمانی بخواب ندیده برای چه روزی گذارده اند آخر این همه اسلحه و قورخانه را چرا بسرحدات تقسیم نمی نمایند، مجلس شوری می خواهد که با بودن ارفع الدوله در اسلامبول از روی شرف معامله سرحدی ما و عثمانی فیصل شود؟ محال است محال، این مرده که در مسئله اهم دار مدار جمیع خیالات و اقدامات

از قبیل اخذ گمرک و مالیات اراضی می نماید

§ کاندان عثمانی اظهار داشته که از دولت متبوعه خود هیچ گونه حکمی در معاودت و تحلیف خاک ایران نیافته، بلکه اطلاع یافته که عنقریب قشون تازه برای کدک او فرستاده خواهد شد

§ کاندان موصوف بنیاب قوسل روس متهم ارومیه رسماً اطلاع داده که هرگاه رعایای اراضی متبوعه اردوی عثمانی از خاک ایران که در قونسول خانه ها پناهنده شده رعیتی عثمانی را قبول می نمایند سلامت و امنیت میتوانند بمساکن خود باز آمده برعریق خویش مشغول شوند

(۲۲ رجب المرجب - اول سنبل)

§ بر حسب تذکره تلگرافی ۲۷ آگست معاهده اتحادیه روس و انگلیس بطریق خاطر خواه فیصل یافت فصول این معاهده تا کنون اشاعت نیافته ولی آنچه از قرائن معلوم می شود دولت انگلیس مراعات زیادی در تجارت ایران و سواحل دریای اسود و جزیره های بلخاف درباره روس عموده و روسها در حدود افغانستان مراعات بسیار نسبت به انگلستان کرده است

§ مخبر روتر از طهران خبر میدهد که رئیس الوزرای ایران امیر السلطان انابک اعظم در حالتیکه از مجلس شورا ایستاده ملی بجانب پارک خود رهسپار بود بضرع گلوله وداع زندگانی نمود

§ وقایع نگار دلی میل از طهران خبر میدهد که بیج شلیک ریوالور یکدفعه بر انابک اعظم شده و در سرنیر جان تسلیم نمود. یک سپاهی و یک فزاق هم کشته شده و یک نفر مصاحب ایشان هم مجروح گردیده، یکی از این جماعت خود را هم هدف گلوله عموده دیگری گرفتار شده باقی فرار نموده اند

§ سفرای روس و انگلیس درین حاده شاه را تعزیمت داده اند

§ مخبر روتر از طهران خبر میدهد که قاتل صدر اعظم ایران (عباس علی) نام دارد، و شغلش تبدیل پول سیاه و سفید است، از نوشتن جانی که نزد او بیرون آمده معلوم می شود که از جانب انجمن اصلاح طلبان یادگوبه مأمور بوده است

خبر المتین

§ خداوند رحم فرماید بر این روش غیر مرغوبی که برخی از جهال اختیار نموده که جز بر باد سپردن ملت و دولت هیچ ثمر و فائده نبرده و نخواهند برد، رعایای روس که این روش غیر مرغوب را اختیار کرده اند تا کنون چه ثمر و فائده برده که جهال در ایران به تقلید آنها برند

حجج اسلامیه و وکلای ملی راست که جهال را از خیالات فاسده باندرزهای مشفقانه و نصائح حسنه باز داشته بجاوه تمدنشان رهسپار دارند، که این گونه حرکات را عاقبتی بسیار و خیم در پیش است

(اللهم اصالح کل قائد من امور المسلمین)

§ بی اعتدالی و اغتشاش در تمام ایران روز الزون زیاد می شود

(۲۳ رجب - ۲ سنبل)

§ معاهده دولتن روس و انگلیس امروز در پترسبرگ بمضامین رسید، وفقی که فصول این عهد نامه در سبب اختلاف بود، بچگونگی آن ظاهر خواهد گردید، تمام اخبارات این معاهده را برای صالح عمومی دنیا تبریک میکنند، این عهدنامه شبیه عهد نامه انگلیس و فرانس نیست

§ وقایع نگار استندرد از پترسبرگ اطلاع میدهد که سورت و حدت اختلافات دولتن روس و انگلیس در ماده ایران بالکلیه مرتفع گردید،

روس بر حسب این معاهده متعهد است که در سوئجات شمالی ایران در رونق تجارت انگلیس مسمی خود را بذول دارد، و همین قسم انگلیس هم رضا داده که در جنوبی ایران دولت روس را در اجرای مقاصد تجارتی تأیید نماید

§ دولت عثمانی اطلاع میدهد که والی (وان) خبر داده است که سردار اسکراد را که در شهر (میابج) باعث قتل و غارت شده بود گرفتار نموده است

ایمانی تلگرافی بسفرای خود در دربار دول اروپا نموده تکذیب و تردید می نماید خبری که از طهران اشاعت یافته من باب قتل افسران ایرانی پس از آنیکه با سارتین در داده بودند

لايحه يك از علای جليل

سلفه الله تعالى

در شماره ۱۱ جریده فریده بومبه حبل المتین در ذیل عنوان (بالکونیک کیست. و کارش چیست) شرحی مرقوم بود، تا باخر مطالعه نمود، از علوم مقام و قدر دانی و مردم شناسی نویسنده آن لایحه خیلی تعجب کردم. مندرجات ذیل آن علواترا حل بر بی اطلاعی نمیتوانم نمود ولیک میتوانم عرض کنم شاید اغرض فرموده، زیرا که تمام عناوین و شئون و مقاماترا برای شخص (بالکونیک) مرقوم دانسته، همه را نفی و انکار فرموده، تمیذ نام جهة نفی و برائت چنین مرد بزرگواری را از تمام حیثیات و عناوین چه بوده؟ و حال آنکه (بالکونیک) دارای جمیع این مراتب رفیعه و مقامات منیبه و تعینات خاصه میباشد، در حقیقت بسیار بسیار بیرحمی نسبت باین شخص معظم فرموده اند. کدام از امراء عظام، و وزراء عظام، و سلاطین تاجدار مملکت ایران، باین تسلط و تقاضا او امر مطاعه و اطلاعات تامه و اطاعت تمام خلفای و جزئیات بودند؟ کدام يك از اینها میتوانند مواجب و مرسوم خود را از حیره و عایق و غیره باین عجله بدون کم و کاست دریافت دارند؟ کدام يك از سرکردگان ایران میتوانند این وضعی مواجب نوکر را گرفته بطوری بخورد که کسی قدرت نفس کشیدن نکند؟ کدام يك از رجال ایران باین سرعت میتوانند برای دولت خرج تراشی کرده فوراً بصره رسانیده و جهش را دریافت دارند؟ کدام يك از رؤسای لشکری میتوانند صاحب منصب های بزرگ و کوچک را بدون تفصیر و بدون اطلاع بحکمة نظامی اخراج و عزل و نصب نمایند؟ کدام يك از رجال کذات ایران میتوانند بمجرد اراده نقشه حدود محاصرت را بجهة سوق عسکر و ثبت ایلات سرحدی و تعداد نفوس و استعداد قوای آنها از اسب و اسلحه و حالات و عادات و درجه اطاعت آنها را از دولت و ملت دنبال و بدست آوردن میزان هنر و شجاعت و غیرت و التفات بر میزان صفت طمع که ممکن است به پول دادن آنها را رام کرد یا حیره ثبت بگیرد کدام يك از رجال بزرگ ایران میتوانند حقیقه نویس، حیره

سهو کردم - آشکار نویس و روزنامه نگار احوالات ایران بجهة رجال دولت روس بشود؟ کدام يك از رجال میتوانند مواجب و حیره از دولت ایران بگیرد و خدمت برای اجانب نماید؟ کدام يك از رجال نظامی شما میتوانند همه روزه باساسی مختلفه بار بار فشنگ از دولت بگیرد، و علناً بفروشد، و کسی نتواند بگوید فشنگ های خالی شده را تحویل بده، بعد فشنگ بر کرده بخواد؟ کدام يك از رجال شما میتوانند با وجود قدغن صریح از دولت علناً بتوسط (نوز) بلجیکی بار بار دینامیت وارد کرده انبار کنند؟

خیر اینطورها که شما (بالکونیک) را معرفی فرموده صحیح نبوده، بلکه ایشان سردار و - لار و سپهسالار و وزیر جنگ و امیرتوپان و امیرنویان مشیر لشکر وزیر لشکر مستوفی و خزانه دار نظام شخص اول وزیر کبیر صدر اعظم و هر هشت وزیر غیر مسئول و کبیل سیاسی و نگاهبان پانتیکات روس امیر البر و البعزند.

هرگاه اوقات شریف تاخ نشود و تفسیر فرمائید عرض میکنم، که (باه تبسم) که فرمودید کمتر هنر ایشان است، قوه متصرفه در تمام اجزاء و شناسائی وجود هر فرد از اهالی ایران دارند، مگر نمی بینید که تمام رجال دولت و ملت و افراد رعیت را کر و کور و لال و عیس و شعور کرده هر چه میخواهد میکند، و میبرد؟ استعجاب فرمائی، بی ایشان صاحب عصای موسی هستند، خبرندارید که چه مقدار از مال دولت و حقوق افراد بریگاد را در سال باع میفرماید، دارای امانت جبرئیل و صور اسرافیل میباشد، چنانچه در صور طوری دمیده که فقط خالق ایران را می میراند، گویا متنفس و دیروسی نمانده که افعال او را بنگرد، یا ثبت و ضبط نماید.

فرموده اید، آیا قشون سلم و تور دارد؟ باز میترسم متغیر شوید، خیر آقا جان! قشون سلم و تور لازم ندارد، آخر شما که میدانید قشون خرج دارد، لشکر کشی مصارف فوق العاده میخواهد. این مرد بزرگوار آمده است ایران را خالی کند، هر چه بتواند پولش را ببرد، سبحان الله بازم جرت زدم، اشتباه کردم، خبر آمده است تمام ایران را بنصرف در آورد، و اهالی را غلام و کنیز روس نماید، نیامده

است که خرج کند، ناخوشی بپذیری و بی حسی و بیعاری و کله خبیثه بمن چه بتوجه درما ایرانیان برای (پالکونیک) مستغنی ازسوق عسکر و خرج گزاف است - بحمد الله در اواخر مرقومت یاره از شئونات و مقامات و تعینات مذمه ایشانرا معترف شدید، خیلی ممنون شدم، که درباره ایشان اندکی اظهارمرحمت فرمودید، و لیک چیزیکه مرا معطل دارد ابراد فصول معاهده نامه است، که اولاً این ابراد فرمودن فصول معاهده نامه در سورتی ثمر دارد که این مردم غیرت و حس ذکی ورک آدمیت داشته باشند، و در مقام استیفاء حقوق خود باشند، بحمدالله تعالی از صدر تا ذیل من الباب الی المحراب همه در خواب و وادی عیسی منما علیهم افتاده ایم، و از جوهر (سرفین) کانه در ابدان مان تزریق و سرم نموده اند

تانیاً اروپاییان مستخدم کجا اعتناء بقیود مطلق معاهدات دارند، فقط بهرحیله و تدبیر رخنه و دخالت در خاک ایران را طالبند

(در دل دوست بهر حیلله رهی باید کرد)

کفایت رجال دولت باید اندازه و مقیاسی برای مسلک ایشان و سایر مستخدمین که در حقیقت اجیر و مزدوری بش نیستند بقیضه اختیار خودگیرند، و ریسان طمع و خود سری آنها را بخیله های بسیار حکم کوتاه زنند، و عنان اختیار امور دولت و ملت را بکف اقتدار شان نگذارند، و اتصالاً در تدابیر و افکار استبداد و استمالل بذل جهد و صرف اوقات فرمایند.

بدون قسم عرض میکنم، و روش امور ارائه میکند، هرگاه خدای ناخواسته اجانب مساط بر شما و وطن عزیزتان بشوند، اول طوق اسارت و عبودیت بگردنهای برم و نازك شما میگذازد، زیرا که شما تمام برشوه خواری و خیانت گری بدوات و ملت و خود سری و استبداد در نزد آنها معرفی شده اید، باین جهة هیچیک از شما را در پیشگاه دولت خود مصدر خدمتی نخواهند کرد، بالمقایسه میگویند همان طور که با دولت خود خیانت کردند، و اسباب افراض شدید با دولت ما هم همین معامله را خواهید نمود. پس باید بجهت عدم اطمینان از جرکه رجال دولتی خارج باشید

فرضاً اگر بگوئید در این صورت پول و ملک و مستقلات اندوخته داریم، با کمال عزت میخوریم و زندگی میکنیم، عرض میکنم، بازم ترتیب و روش امور نشان میدهد به يك پول و نه يك وجب ملک از برای شما نمیکذارند، تمام ثروت و مکتنت شما را بطور جزم گرفته و مان خور یومیه خود قرار میدهند، فقط قوت لایموت بشما آنها با خون جگر میدهند، برای این فعل خودشان دلیل صحیح در دست دارند که هر ذی شعوری باشد بهمان دلیل با شما سلوک میکند، زیرا که میکوبند هرگاه پول و مکتنت داشته باشید باز مردم را جمع کرده اغواء میکنند و برخطیالات مفسده جویی و شورش مردم و انقلابات در بلدان میکوشید دولت را دچار زحمت میسازید، بچتمل که شما را از مستطالراس خودتان هم تبعید میکنند، که نه دارای اموال و ثروت باشید و نه دارای اقربا و عشایر و اولاد، هرگاه هم باین یکمشت رعیت مفلوک از با در آمده که از شامت استبداد فقیر و قطعیر دار ایشانرا برده بمصرف تجملات خود رساذه رحم نمیکنید بخود مان و اولاد و اعقاب و عشیره خود رحم کنید

دو جریده فریده تمرض و اشاره فرمودید، چرا و بجه مناسبت صاحب منصبان فزاقخانه نشان دولت روس را میگیرند، ازاین حرکت قبیح از شدت غیرت و عصیبت منفیر شدید، حق درید، هرکس مسلمان است درد دین و حب وطن درد باید متغیر از ارتکاب این قبایح شود، ولیک من عرض میکنم، هرگاه به بینید که آقایان رجال و امراء و وزراء دولت علیه ایران بر سر درب خانه های خود نشان عقاب روس را گچ بری کرده، و بعضی ها بخط فرنگی علامت نوشته گچ بری کرده اند و باین حرکت خود را مفتخر میدانند از شدت غیرت مسلمانان که دارید چه خواهید فرمود؟ هرگاه این دو فقره را که عرض کردم باور ندارید، بفرمایید تا نشان بدم،

ای رجال نوکر و مواجب خور دولت که گوشت و پوست آباء و امهات شما و خودتان و اولادتان از نمك دولت پرورش کرده، و هستی وجود و دوزنی و مکتنت و ثروت شما تمام از تصدق سر دوات است، حالا کاری بمذهب و دین مان نداریم! که بگوئیم عوض لفظ

بسم الله يا انا فتحنا يا نصر من الله سكه بعضى از مسلمانان بالای درب خانه خود مینویسند از کاشی و گچ عرض میکنند، این چه خیسات و نمک بجرای است که نسبت بدولت مطبوعه و ولی نعمت خود میکنند، ای دریغ و افسوس که محاسب نداریم! دزد بگیر نداریم! دلسوز نداریم غمخوار دولت شش هزار ساله نداریم! دود وطن نداریم! غیرت و عصیت نداریم! مسلمانان نداریم! عقل و شعور و حس نداریم! اگر داشتیم تکلیف این خانهها و صاحب آنها معلوم بود ای مدبر محترم روزنامه، ای منشی معظم فرزانه، از چهار نفر قزاق بی سروپا که خودشان پدر و مادر شان را از بی شعوری نشناختهاند که ایرانی بوده اند یا روسی چه توقع دارید! یقین است اگر شرافت ایرانیت آباء و امهات خود را میدانستند مرتکب گرفتن نشان نمیشدند، از آقایان رجال و امراء تعجب دارم وقتی می نشینند بدور یکدیگر میگویند، من پسر فلان امیر و وزیر و دبیر هستم، که پدر وجد من در فلان و فلان محل چنین و چنان خدمات کرده، لهذا باید فلان قدر مواجب و تیول و استصوابی و حیره و عایق بپریم، و بر سر درب خانه خود بخط فرنگی و نشان عقاب روسی افتخار و معرفی خانه میکنند، از این فتره هم بگذریم، چون از شدت و حتی گری بعضی اهالی قوه احساسات و مشاعر منم شده، استدعا دارم از داروی حکمت و سیاست خود تقوی از حس و شعور من فرمائید، خوب شما خودتان می فرمائید اهالی ایران بجهات عده دارای ذکاوت و فطانت و هوش مستقیم هستند قبول کردم، در جای دیگر میفرمائید، سی سال است (بالکونیک) برای تعلیم قنون نظامی و جنگ در ایران مستخدم است، يك هزار یا دو هزار نفر قزاق را تعلیم و مشق داده و میدهد، و فلان و فلان مقدار پول از دولت گرفته و میگیرد، میخواهم بدانم اشخاص ذکی فطن ایرانی چه شده، که در این مدت سی سال با این مصرف زیاد که پول ملت را دولت برای تربیت آنها داده يك نفر از این هزار یا دو هزار نفر فارغ التحصیل نشده اند، و علم قنون نظامی نیستند، که هنوز بعد از این سی سال باز هم محتاج به بقاء معلم هستیم؟ اگر کسی از عده

قزاق حاضر فارغ التحصیل و علم قنون نظامی شده باشد، دیگر چه احتیاج بمعلمی این (بالکونیک) یا (بالکونیک) دیگر نخواهیم بود، و اگر کسی از این عده درین سی سال چیزی نیاموختند، سیصد سال دیگر هم نخواهند آموخت، و عالم باین علم نخواهند شد، در این صورت چرا شاعر فرمائید که در قافیه آن معطل شوید، مگر اینکه فرمائید (بالکونیک) ها پول بگیرند و تعلیم نمیکند، و باین مهانه در خانه ما مینهند، اولاً برای استجلاب منافع عاجل خود شان، ثانیاً برای مسافع بلتیک روسخی آجل که خوب راه و رخنه و زوایا و خلفایای امور ما را مطلع شوند، و فواید ببرند، و نتایج بگیرند، همان شد که عرض کردم، محاسب نداریم! دزد بگیر نداریم! و در این صورت ما چرا اینقدر بی شعور و بی حس باشیم، ای آقایان، ای وزراء، ای امراء، ای حجج اسلام، ای وکلاء، جهل کرور نفوس، ای اهالی ملت ایران، ای کسانی که میگویند وطن خود را دوست داریم، بنشینید با کمال معقولیت و محابت نه به میاهوی و هرزگی و حتی گری دخل و خرج صرفه و ضرر صلاح و فساد وجود مطلق مامین و مستخدمین خارجه را بسنجید، هرگاه صلاح در ابقاء آنها دانستید با این معایب بسیار خوب، والا با کمال معقولیت عذرشان را نخواهید و اگر باز هم معلم و مستخدم لازم شود، از دول بیطرف مثل آمریکا و ژاپون نخواهید، و هرگاه دولت پول زیادی دارد که حکماً بمصارف بی جا یا بجا باید صرف شود، خوب است بامم قدری مرحمت فرمائید که چند روزی جنسالة بادام و گوجه گیلانی خریده بخوریم، و قدری در خیابانها و باغات دور شهر گردش و تفریح و بیماری کنیم، فصل مقتضی و موقع اطام زاده داود رفتن هم نزدیک است، رنود اولیای الله چند روزی از تصدق سردولت خوش بگذرانند، حالا که بنام در فکر صرفه و صلاح دولت و ملت و مملکت نباشیم چندی باین وادی مشی کنیم، یا آنکه بزایده مقدسه رفته بچیش مستبدین ملحق شویم، والا اگر چنانچه مشروطیت و عدالت و حقوق ملت راست است، باید فهمید این پولیکه باسم مالیات و غیره و غیره این رعیت بچاره بخون جگر و عسرت و نخوردن و

اندوختن بدولت میدهد بکجا صرف میشود ؟

بچه دلخوشی و رضایت میتوانید جرح و تعدیل و اعشار مالیات نماند ؟ اگر چه خواهید گفت مالیات بعضی که زیاد گرفته میشود کم میشود ، آنها ~~که~~ کم میدادند چرا راضی زیاد دادن بشوند ، آنها هم که زیاد میدادند چون بیدار شده اند خواهند گفت چرا زیاد بدیم که بخورد ؟ کی برد ؟ کجا صرف شود ؟

پس باید میزان صحیح نحوه مصارف معین و جلو گیری از این اجسادات داخلی و خارجی که بیوقع میگیرند نمود ، تا مردم بطوع و رغبت هر چه باید و شاید بدهند ، فرمودید (بالکونیک) را بر داشته پیش مسیونوز گذارند بدون کج خاکی و تغییر عرض ، یکم ، بایستی مبارک را از کفش آنها بیرون کشید ، زیرا که این دو نفر و امثال ایشان بتکلیف خود عمل کرده و میکنند ، سر سوزنی از تکلیف خارج شده و نمیشوند اینها اهل قانون هستند ، از بدایت و رود شان باین خاک تا اکنون مخالف از قانون نکرده و نمیکند ،

البته خوب میدانید ، از بدو خلقت گربه ، تا کنون تکلیف و فطرت مطلق او دزدیدن و خوردن گوشت و بقیه و دینه و همه قسم مطبوخ و اطعمه بوده و هست ، حالا اگر یک گربه وارد خانه من و شما و سایرین شود لابد باقتضای فطرت و تکلیف خود عمل میکند ، از تمام ارزاق میزدود و میخورد ، هر چه آن گربه فریاد کند که بخانه شما آمده ام نا موشهایی خانه را بگیرم ، و دفع شر آنها را بجا میآید باور کرد ، و مفرور باین فرمایش ایشان شد ، باز خواهیم دید از تمام اوراق میزدود و صرف وجود مبارک خود میکند ،

پس بایستی که صاحب آنخانه و اجزاء آن خانه با آن گربه را بخانه راه ندهند و راه دخول او را مسدود کنند ، یا اطعمه و اوزاق خود را در اطاقها و صندوقخانه یا یک محل امنی بگذارند ، و درب آنرا مقل نماند ، و مواظبت کنند تا آن گربه نتواند اوزاق و قوت شان را برد و بخورد ،

پس معلوم می شود که این مستخدمین اروپائی ملامق ندارند ، بدین جهت اظهار بیرحمی میفرمایند ، زیرا که تمام اینها رفیق و یار خود را بخاک ایران و با سایر

خاک مشرقی میگذارند ، تکلیف شان چپاول و بلعایف الحیل کلاه برداری و بردن اموال و ثروت و مکت و آب و خاک است ، بر حسب تکلیف خود حق المقدور اهالی را ذلیل و خار و عید و اماء و محتاج بخود مینمایند ، بر صاحب ملک و وزراء و رؤساء ممالک است که با اینها راه ندهد با آنکه با کمال هوشیاری مواظبت شئونات و اموال و رعایا و حقوق خود را داشته باشد ، باز رحمت بکره ~~که~~ گاه گاهی یک یا دو موش

میگیرد ، این حضرات با اندازه یک موش گرفتن هم بجهت ایران و اهالی ایران کار با عمر نمیکند و تا بتوانند سی در خرابی ممالک و اهالی مینمایند و نمیکند گوشت کلبه خود را از آب کشیم ، آدمی شویم ، و رفع احتیاج خود از آنها کنیم ، روز بروز بهزار حبله و اسباب چینی ما را بخود محتاج نمیکند مگر دراموش فرمودید در زمان شاه شهید چندین هزار تومان برای کارخانه چلوار بانی از دولت گرفتند ؛ چند سالی باغ سبز نشانی دادند ، بعد خوابیدند ؛ پول برای کارخانه بلور سازی وقتد سازی و چاه ارتیزان وغیره وغیره گرفتند ، بعد از دو سه سال بیک بهانه خوابانیدند ،

هم پول زیاد گرفتند ، هم اسبابهای کارخانه اسقاط شده خود را بقیمت زیاد فروختند ، اجرت معلم و استاد گرفتند ، و تمام کارخانهها را هم لنگ و خراب کردند و رفتند ، هیچ کس هم مواخذة نکرد ، فقط کارخانه چلوار بانی را بسی و هتمام شاه شهید بدل بضراب خانه ~~کردند~~ ، مادامیکه آضرابخانه که ناموس و قوام دولت است در زمان مرحوم حاجی ادین الضرب بدست ایشان بود ، در سال مبانی بدولت عاید میداشت تا اینکه بصراللطنه مدعی شد ، در سالی یکصد و بیست هزار تومان اجاره ~~کرد~~ ، همه ساله عاید دولت مینمود ، بعد از چندی مجدداً بمرحوم حاجی امین الضرب واگذرند ، همه ساله آنچه قرار گذارده بودند بدولت میرساید ، ضراب خانه دائر بود تجار و کسبه و عملجات همه فایده میبردند ، تا زمان سفر اول که شاهنشاه مغفور مظفرالدین شاه البسه الله حلال النور ضرابخانه را باز دید کردند سی هزار تومان کسر اسباب و ادوات و تمهیرات لازمه داشت ، بعد از مسافرت و ورود بفرنگستان

مرحوم حکیم الملك یکدستگاه کارخانه جدید اتباع
 نمود. قریب سیصد و پنجاه هزار تومان دولت متحمل
 خرید و حمل بطهران و بنای کارخانه و نصب دستگاه
 شد. و تا زمانی هم که استاد کاظم مباشرت داشت در
 سالی تقریباً یکصد و شصت هزار تومان بدوات عاید
 مینمود. و مبالغ گزاف تقریباً دوست هزار تومان
 تجار و بانک و حکسائیکه تفره بضرا بخران میدادند با
 عملجات ضرابخانه که قریب صد و پنجاه نفر بودند
 منفعت میبردند. و ماهی سیصد و پنجاه هزار تومان از
 ضرابخانه پول سکه شده بیرون میآمد. و در میان تجار و
 کسبه و اهل بازار گردش میکرد. هر چه اسباب توسعه بود
 بعد از آنکه ضرابخانه جدید و عتیق واگذار
 (مسیونوز) شد هر دو را خوابانید و بکلی تعطیل
 کرد. تمام این فوائد از دولت و تجار و کسبه
 بازار و عملجات سلب شد. یکصد و پنجاه عملجات که
 هر یک دارای اهل و عیال و اولاد بودند که تقریباً
 دو هزار نفر ازین مورد نان میخورند هم متفرق
 و فقیر و فاقه و فلاکت مبتلا شدند. و مبالغ گزافی هم
 از آهن و خشک و سرسکه و ادوات و الوارهایی
 کف کارخانه با سایر اسبابها که در مدت سی سال در
 انبار ضرابخانه جمع شده بود فروخته و قریب سی
 هزار تومان خاک ضرابخانه را بنجس به یهودیها
 فروخت. کسی ندانست این بولهارا چه کرد. و ضرب
 دستی بزرگ را که کلی قیمت داشت شکسته تمام این
 خرابیها را در واقع برای اینکه در ایران هیچ نداشته
 باشیم. آدم نباشیم. و هم محتاج بآنها باشیم. بدوات وارد آورد
 مثلاً هرگاه کسی از داخله یا خارجه بگوید که
 قریب پنجاه است اعلیحضرت اقدس هابون تاجدار
 معظم محمد علی شاه سلطان بالاستحقاق شده و سلطنت
 مملکت ایران را بالورانه متصرفند چرا يك سکه اشرفی
 و قرانی باسم مبارکشان دیده نمیشود؟

باید جواب گفت (مسیونوز و پریم) رأی
 مبارکشان قرار نگرفته که سکه بنام نامی چنین سلطان
 رؤف مهربان که تاریخ معدت است زده شود. تاجش
 عامه باسم مبارکشان روشن گردد
 باز پریم سرمطلب این شخص (بالکونیک) که نوشته
 ابد فقط مشاق و عنوائش طالبجاه بجدت همراه است.

بعد از آنکه با حضور تمام صاحب منصبان نظامی و اکابر
 و امراء بزرگ وارد میدان مشق و بحضور حضرت
 مستطاب ارفع امجد اشرف والا آقای نایب الساطنه
 دامت شوکتة سهسالار مشرف میشود. و سلام نظامی
 میدهد. و در کمال نخوت میآید بحضور اشرف والا
 دست میدهد. و حضرت اشرف والا هم از شرم
 حضوریکه دارند دست میدهند. البته همینطورها سبب
 باهالی ایران سلوک میکند. و حال آنکه دست دادن
 و گرفتن با مثل حضرت والا شان (پرنس ها) و
 رجال بزرگ دول متحابه متعده است. نه شان یکتفر
 سرهنگ مشاق مستخدم. که عنوائش طالبجاه بجدت
 همراه است.

این است که عرض کردم رجال و وزرای
 دولت باید جلوگیری از این جور اشخاص و تجدید
 حدود شان را بنمایند. بدیهی است وقتیکه اکابر
 از سلسله سلطنت نسبت بهر فاصله این قسم سلوک نمایند
 نباید گفت تقصیر از آن فعله است

از (بالکونیک) و امثال او استعجاب فرمودید. چرا
 از بعض قزاقها و سرکردهای بی ناموس بی شرف تعجب نمی
 فرمایید. که محض نفاق بی مزه به (بالکونیک) وطن مألوف
 عزیز خود را که در حجر آن پرورش یافته و گوشت و پوست
 شان از نعمتهای آن روئیده و بمنزله مادرشان
 است به راپورت نویسی و نقشه دادن. در دامان (بالکونیک)
 و امثال او میگذارند -

ای نا برادران. ای نامردان. ای بیبایان.
 این فعل شما چه فرق دارد با آنکه مادر و خواهر
 و عیال خودشان را به برند در دامان اجانب بگذارند.
 و در پیش همکثاف شرمسار و سرافکنده و
 تنگ دار بشوند. هرگاه قوه در آگه و رک انسانیت و
 شعور و قوه میزه میداشتنند اقدام باین قبايح و شناع
 نمیکردند. و در جرگه بهابم بشمار نمیرفتند. منافقینیکه
 در بدو اسلام در خدمت ختمی مرتبت حضرت رسول
 اکرم (ص) بودند که تواریخ و سیر اراة حالات آنها را میکند
 همین کارها را کردند. که خداوند کریم در باره آنها
 فرمود (ان المنافقین فی الدرك الاسفل من النار)
 در این صورت این ناکسان باید جایگاه و مقر خود را
 بشناسند. نمیکویم (بالکونیک) باین همه شناع و قبايح